



صفحه ۳

مواد منفجره‌ی طالبان قوی تر می‌شوند، سربازان افغانستان بهایش را می‌پردازند

وقتی جواد محمودی روی صندلی چرخدارش می‌نشیند کوتاه‌قد است، یک نیم‌تنی که چیزی جز هوا زیر استخوان‌های رانش نیست. چشمانش چاک‌های محفوظ و صورتش بی‌احساس و ناگویا است. اما وقتی می‌ایستد و خود را در پشتبان‌های پلاستیکی و پاهای فولادی جا می‌دهد و خودش را کشیده و بین دو میله‌ی تمرینی راست می‌کند، نور پیروزی در چشمانش دیده می‌شود. برای یک لحظه، او به سربازی می‌ماند که زمانی بود. افغانستان برای مدتی طولانی در جنگ بوده است، به اندازه‌ی که سه نسل قربانیان میدان...



1163 TUESDAY | 11 OCTOBER 2016 | YEAR 05

۱۱۶۳ سه‌شنبه | ۲۰ میزان ۱۳۹۵ | سال پنجم




عزیزی بانک جایزه بهترین بانک تاثیر گذار اجتماعی در افغانستان (Best Social Impact Bank Award 2016) را از جانب اداره بین المللی سرمایه مالی (Capital Finance International) و جایزه بهترین بانک نحوه مدیریت و قانونمند (Best Governed Bank Award 2016) را از جانب اداره بین المللی تلاش برای پیشگام بودن (Quest on the Frontier) را در شهرهای لندن و دوی بدست آورد.



عزیزی بانک
Azizi Bank

[f](#) [in](#) [t](#) [v](#)
www.azizibank.af
1515

یادداشت روز | صفحه ۲

رییس جمهور نباید کلوخ گذاشته از آب رد شود

رییس‌جمهور در بیانیه‌ی تلویزیونی یکشنبه شب خود با اشاره بر حوادث اخیر در سراسر کشور و به‌ویژه اتفاقات ناگوار و تلخ در ولایت قندوز و ولایت‌های هلمند و فراه، اظهار داشت که مشکل ناامنی‌های اخیر را نمی‌توان در حملات طالبان تقلیل داد، بلکه بخش بزرگی از این رخدادها، اسف‌بار، برمی‌گردد به سپرده شدن مسئولیت‌ها به افرادی که از شایستگی و تخصص لازم برخوردار نیستند. اشرف غنی همچنان گفت که هیچ فردی حق ندارد به‌خاطر توجیه کم‌کاری‌ها و سهل‌انگاری‌های خود، از باورهای مذهبی سوءاستفاده کنند، که این حرف ایشان ناظر به سخنان اخیر والی قندوز بود.

این‌که مناصب مهم امنیتی در حکومت وحدت ملی توسط اشخاص نالایق و ناآشنا با استلزامات مسئولیتی که به عهده می‌گیرند اشغال گردیده، امری است روشن و عیان. تشخیص رییس‌جمهور...



رییس‌جمهور غنی: اصل مکافات و مجازات در رابطه به رویداد قندوز اجرا خواهد شد

صفحه ۲

سیمکارت تاپ

با ارزش عالی و سهولت بیشتر



افغانی 4.90

فی دقیقه تماس به 11 کشور جهان



افغانی 1

فی دقیقه تماس به تمام شماره های افغان بیسیم
1 افغانی در هر 30 ثانیه تماس به سایر شبکه های داخلی

فیس روزانه: 1.50 افغانی



سرریعترین انترنت 3G

برای اشتراک شماره ذیل را دایل نمایید

***255*5*1#**

برای لغو اشتراک #255*5*2* دایل نمایید.

این پیشکش فقط برای مشتریان سیمکارت تاپ افغان بیسیم قابل استفاده می باشد.



افغان بیسیم
AFGHAN WIRELESS

ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

HD VOICE

www.afghan-wireless.com
152

سه‌شنبه	
۲۰ میزان	
۱۳۹۵	
سال پنجم	
شماره ۱۱۶۳	
آوردگان	



یادداشت روز

رییس‌جمهور نباید

کلوخ گذاشته از آب رد شود

رییس‌جمهور در بیانیه‌ی تلویزیونی یک‌شنبه‌شب خود با اشاره بر حوادث اخیر در سراسر کشور و به‌ویژه اتفاقات ناگوار و تلخ در ولایت قندوز و ولایت‌های هلمند و فراه، اظهار داشت که مشکل ناامنی‌های اخیر را نمی‌توان در حملات طالبان تقلیل داد، بلکه بخش بزرگی از این رخدادهای اسف‌بار، برمی‌گردد به سپرده شدن مسئولیت‌ها به افرادی که از شایستگی و تخصص لازم برخوردار نیستند. اشرف غنی همچنان گفت که هیچ فردی حق ندارد به‌خاطر توجیه کم‌کاری‌ها و سهل‌انگاری‌های خود، از باورهای مذهبی سوءاستفاده کنند، که این حرف ایشان ناظر به سخنان اخیر والی قندوز بود.

این‌که مناصب مهم امنیتی در حکومت وحدت ملی توسط اشخاص نالایق و ناآشنا با استلزامات مسئولیتی که به عهده می‌گیرند اشغال گردیده، امری است روشن و عیان. تشخیص رییس‌جمهور در این‌خصوص نیز به‌جا و درست است. حرف مهم‌تر از آن را اما می‌توان در یک زمینه‌ی خیلی بنیادی‌تر مطرح کرد: عدم شایسته‌سالاری بر تمام سطوح و نهادهای دولتی حاکم است، از وزارت‌خانه‌ها گرفته تا ریاست‌های مهم، و نهادهای امنیتی نیز جزئی از این حقیقت است. حتا برای مردم زیاد روشن نیست که از بدو شکل‌گیری این حکومت، معاونان ریاست‌جمهوری مشغول چه‌کار و فعالیت‌هایند و به همین‌شکل، ریاست اجراییه نیز به‌لحاظ کارکرد و مسئولیت در هاله‌ی ابهام و سردرگمی قرار دارد. بارها شنیده شده که معاون اول ریاست‌جمهوری از نقش پوشالی و صوری‌اش در حکومت شکایت کرده و گفته که همه‌ی کارهایی را که از لحاظ قانونی باید او انجام می‌داد، رییس‌جمهور شخصاً اجرا می‌کند و آن‌هم غالباً به‌گونه‌یی که معاونان حتا در جریان کار قرار نمی‌گیرند. تنشی که چندی قبل میان ریاست‌جمهوری و ریاست اجراییه بالا گرفته بود نیز بخش اعظمش برمی‌گردد به همین مسأله.

حالا سخنی که می‌توان در این رابطه مطرح کرد، این نیست که چرا تاکنون چنین اتفاقی پیش آمده، هرچند که این امر نیز در موقعیت خود می‌تواند گره از بسا فروبستگی‌های لاینحل حکومت بگشاید. مسأله این است که حکومت وحدت ملی و شخص رییس‌جمهور که متوجه این مشکل شده است، چگونه باید به حل و رفع آن بپردازد. از این‌رو، حالا که مشکل خلط وظایف نه‌فقط در یک بخش، بلکه در تمام بخش‌های دولتی و به‌صورت فراگیر به‌مشاهده می‌رسد، سران حکومت وحدت ملی اگر آن صداقت لازم را در امر حکومت‌داری و در مناسبات‌شان با مردم دارند، چیزی که تاکنون کم‌تر مشاهده شده، مبارزه‌یی سخت و جدی را در پیش رو خواهند داشت.

اما به‌نظر می‌رسد که مشکل خلط وظیفه و یا سپردن وظایف به کسانی که از عهده‌ی انجام مطلوب آن برآمده نیستند، دامن خود رییس‌جمهور را نیز می‌گیرد. در همین شب‌روزرهایی که چندین ولایت کشور درگیر جنگی شدید و بی‌وقفه‌اند، آقای اشرف غنی با خیال آسوده در پایتخت به شفاخانه‌ها رفته و مشغول برکناری کارمندان شفاخانه است. البته که این امر نیز بخشی از کاری است که حکومت در زمینه‌ی پاکسازی نهادها و ادارات از وجود افراد ناشایسته باید انجام بدهد، واقعیت اما این است که در شرایط جنگ و آشوب کنونی، این کار فقط می‌تواند مصداق روشنی از حرف‌های اخیر رییس‌جمهور باشد.

حکومت وحدت ملی می‌بایست خیلی قبل‌تر از آن‌که فاجعه بالیدن بگیرد، به برطرف کردن این عارضه‌ی دیرپا می‌پرداخت. با توجه به تجربیاتی که این حکومت در طی دو سال از این رهگذر کسب کرده است، درک مشکل، امری زیاد سخت نبود. قندوز تجربه‌ی یک‌بار سقوط را از سر گذارنده است، ولایت‌های دیگر نیز با سقوط چندین ولسوالی به‌دست طالبان مواجه بوده‌اند. اما حکومت تا امروز فقط به‌قول معروف، کلوخ گذاشته از آب رد شده و هیچ‌گاهی کوشش به حل بنیادین مسأله نکرده است. نمی‌توان در این‌خصوص از یادآوری پیش‌آمدهای تلخ در کشور که اغلب جلو اصلاحات و نظام‌سازی را می‌گیرد غافل شد، اما دقت در مسأله روشن خواهد کرد که همین پیش‌آمدها نیز ناشی از آن بوده که حرفی را اکنون رییس‌جمهور می‌زند، در طول دو سال حکومت‌داری خود به آن باور نداشته و یا دست‌کم آن را اجرایی نکرده است.

حالتی که در آن افراد ناشایسته و نامطلوب امروزه فرصت یافته‌اند به‌طور وسیعی بر مناصب مهم تکیه بزنند، سبب شده که ناامنی‌ها در کشور همواره رو به افزایش داشته باشد و جنگ‌های بی‌وقفه، فقر فزاینده و گسست در مناسبت لازم میان مردم و حکومت شکل یک وضعیت را به‌خود بگیرد. تبدیل شدن یک مشکل به یک وضعیت عام، ایجاب یک مبارزه‌ی جدی و بنیادی را می‌کند. انتظار می‌رود که رییس‌جمهور باید اراده‌ی مبارزه با این وضعیت را داشته باشد، ورنه اقدامات موردی و مقطعی صرف می‌تواند تعریف دیگری از جابه‌جایی مهره‌های فساد و ناکارایی باشد.

اطلاعات روز: رییس‌جمهور غنی شام دیروز (دوشنبه، ۱۹ میزان) در دیدار با شماری از مردم ولایت قندوز در ارگ ریاست‌جمهوری گفته است که در ارتباط به رویداد اخیر قندوز و سقوط ساحات این شهر به‌دست طالبان اصل مکافات و مجازات بر مسئولان عملی خواهد شد.

آقای غنی گفته است قندوز در اولویت توجه رهبران حکومت قرار دارد و «نخست باید جهت و وضعیت را تغییر دهیم و سپس اصل مکافات و مجازات را تطبیق نماییم. ثبات به بی‌ثباتی نه، بلکه به اصلاحات تأمین می‌شود.»

غنی افزوده که در بخش‌های «ملکی و نظامی اصلاحات گسترده وارد می‌شود و در زمینه‌ی آوردن اصلاحات بنیادی حمایت مردم حتمی می‌باشد، زیرا بدون اصلاحات، در جنگ و صلح موفق شده نمی‌توانیم.»

او تأکید کرده است که عوامل مشکلات داخلی قندوز باید تشخیص گردد.

از یک هفته به این‌سو در شهر قندوز جنگ شدید میان طالبان و نیروهای امنیتی جریان دارد، طالبان در روزهای نخست حمله ساحات مهم شهر را تصرف کردند. هزارها خانواده آواره شده‌اند. این‌که چرا شهر قندوز در جریان یک سال و اندی دو بار به‌دست طالبان سقوط کرد، گپ‌وگفت‌هایی را در ارتباط به غفلت وظیفوی مسئولان، دست‌های پیدنا و پنهان در سقوط این شهر استراتژیک در محافل سیاسی و بحث‌های رسانه‌یی خلق کرده است.

در همین حال نمایندگان مردم قندوز نیز در این دیدار از رییس‌جمهور خواسته‌اند که اصل مکافات و مجازات علیه مسئولان این ولایت تطبیق گردد و آثانی که در قبال انجام وظایف‌شان غفلت نموده‌اند، برخورد قانونی صورت گیرد.

اطلاعات روز: قرارداد ایجاد «شهرک‌های رهایشی و صنعتی قالین» میان اداری مستقل اراضی و وزارت‌های شهرسازی و تجارت، و اتحادیه‌ی تولیدکنندگان و صادرکنندگان قالین دیروز با حضور رییس‌جمهور غنی در ارگ به امضا رسید.

جواد پیکار، رییس اداری مستقل اراضی در مراسم امضای این قرارداد گفت «ایجاد سهولت‌های لازم و دسترسی سکتور خصوصی به زمین‌های بکر دولتی غرض رشد و حمایت صنعت داخلی و سکتور خصوصی»، «استفاده مؤثر از زمین‌های بکر دولتی»، «ایجاد کار و دسترسی به زمین دولتی برای صنعت‌کاران داخلی»، «ایجاد زمینه برای سرمایه‌گذاری در سکتور صنعت قالین و زدودن فقر به‌منابه‌ی یک استراتژی ملی در کشور» و «رشد اجتماعی، اقتصادی و صنعت داخلی در درازمدت» از اهداف این شهرک‌ها می‌باشد.

رییس اداری اراضی گفت این پروژه به‌نام شهرک‌های رهایشی و صنعتی قالین نام‌گذاری شده و از طریق اتحادیه‌ی تولیدکنندگان قالین با همکاری وزارت شهرسازی و مسکن و تجارت و صنایع با‌د‌نظرداشت زنجیره‌ی ارزشی قالین، دیزاین و نقشه می‌گردد تا زمین‌ها به نوعی استفاده گردد که شامل ساحات رهایشی، فابریکات، ساحات سبز، خدمات عامه، ساحات تجارتنی و ساحات توسعه‌یی فابریکات باشد. آقای پیکار گفت ۹ هزار جریب زمین در دو مرحله برای این پروژه در نظر گرفته شده است؛ مرحله اول ۳۵۰۰ جریب زمین که ۱۵۰۰ جریب زمین در ننگرها، ۱۰۰۰ جریب زمین در قندوز و ۱۰۰۰ جریب زمین در ولایت بلخ می‌باشد؛ مرحله دوم ۵۵۰۰ جریب زمین است که در طول ۱۰ سال آینده نظر به تقاضای اتحادیه‌ی تولیدکنندگان و صادرکنندگان قالین طی مراحل خواهد شد.

به گفته‌ی او اعطای سند موقت ملکیت به صنعت‌کاران قالین زیر نام زوج و زوجہ توزیع می‌گردد و بعد از تکمیل اقساط، قبale‌ی شرعی به آنان توزیع خواهد شد. رییس اداری مستقل اراضی افزود ۱،۵ میلیون نفر از این پروژه مستفید خواهند شد و قرار است یک تعداد از مهاجرینی که از کشورهای بیرون به کشور می‌آیند

آن‌ها گفته‌اند که برای جلوگیری از تکرار چنین حوادث در قندوز، افراد شایسته گماشته شوند و برای برقراری وضعیت به‌حالت عادی، اقدامات جدی صورت گیرد.

رییس‌جمهور همچنان گفته است که «در قندوز امنیت، مسئولیت و مشارکت می‌خواهیم و صدای قندوز صدای ملت است. دشمن می‌خواهد تعهدات و کمک‌های جامعه‌ی جهانی در بخش‌های نظامی و ملکی را در کنفرانس‌های وارسا و بروکسل برای افغانستان، زیر سوال ببرد.»

جنرال مراد: دلیل اصلی سقوط قندوز را افشا خواهم کرد

اظهارات رییس‌جمهور در مورد اصل مکافات و مجازات در ارتباط به رویداد قندوز در حالی‌ست که پیشتر والی قندوز جنرال مرادعلی مراد، معاون ستاد کل ارتش کشور که فرماندهی جنگ قندوز را به عهده دارد، مسئول سقوط قندوز دانسته و گفته بود که آقای مراد پیش از پاکسازی شهر قندوز، نیروهای امنیتی را به‌سمت ولسوالی‌ها برده بود.

اکنون آقای مراد هشدار داده است که پس از رفع مشکلات امنیتی دلیل اصلی سقوط شهر قندوز و چگونگی جابه‌جایی طالبان داخلی و خارجی در این ولایت را افشا خواهد کرد.

اسدالله امرخیل، والی قندوز پیش از آن‌که جنرال مراد را مقصر اصلی سقوط قندوز بداند، گفته بود که «فرمان مرگ مردم قندوز از جانب پروردگار صادر شده» و به شلیک گلوله از سوی گروه طالبان ربطی ندارد.

این اظهارات والی، واکنش رییس‌جمهور را نیز در پی داشت. آقای غنی یک‌شنبه‌شب در یک بیانیه‌یی تلویزیونی گفت که هیچ مسئول دولتی حق ندارد که با

قرارداد ایجاد «شهرک‌های رهایشی و صنعتی قالین» امضا شد

و به مسلک قالین علاقه‌مند هستند، در این شهرک جذب شوند.

به گفته‌ی آقای پیکار، در بخش صنعت قالین در نتیجه‌ی تطبیق این قرارداد، از ۱۸۰ میلیون دالر الی ۲۰۰ میلیون دالر سرمایه‌گذاری خواهد شد.

جواد پیکار در ادامه افزود به تعداد پنج هزار الی ۱۰ هزار قالین‌باف مهاجر از کمپ‌های مختلف کشور پاکستان مانند کمپ‌های مختلف پیشاور، لاهور و هری‌پور به کشور عودت می‌کنند.

او گفت: «در نهایت به تعداد ۱۱۰ هزار نفر به شکل مستقیم و ۱،۵ میلیون نفر از نفوس افغانستان به شکل غیرمستقیم از این پروژه مستفید می‌شوند.»

همایون قیومی، مشاور رییس‌جمهور نیز گفت هنر و صنعت قالین یک تاریخ پرافتخار و کهن در کشور دارد و ایجاد شهرک‌های قالین نه‌تنها در رشد تولیدات داخلی و ایجاد اشتغال‌زایی نقش مؤثر خواهد داشت بلکه در حفظ و شکوفایی یک عتعه‌ی فرهنگی ما یک عمل مفید می‌باشد.

فروش قالین افغانستان در بازارهای جهانی به نام دیگر کشورها

سعادت منصور نادری، وزیر شهرسازی و مسکن نیز گفت قالین افغانستان تنها یک کالای تجارتنی نیست بلکه هر ترار و بود آن حکایت از فرهنگ غنی و هنر کم‌نظیر مردمان سخت‌کوش این سرزمین دارد. او گفت قالین افغانستان یکی از وسیله‌های شناخت هویت افغانستان در سطح جهان بوده و یکی از اقلام مهم صادراتی در کشور به‌شمار می‌رفته است.

آقای نادری گفت تلاوم جنگ‌های خانمان‌سوز در دهه‌های اخیر بسیاری از فرصت‌های اقتصادی و داشته‌های معنوی ما را مورد دستبرد و نابودی قرار داده که صنعت قالین‌بافی نیز بنابر نبود حمایت‌ها و امکانات دستخوش نامالایمات و مشکلات مختلف گردیده است.

وزیر شهرسازی گفت: «تا آن‌جا که این محصول ارزشمند و هنری از نام و آدرس کشورهای دیگر به بازارهای جهانی راه‌یافته در کنار آن‌که منفعت عظیم

رییس‌جمهور غنی:

اصل مکافات و مجازات در رابطه به رویداد قندوز اجرا خواهد شد

پیش‌کشیدن قضا و قدر و تفسیر غلط از یک موضوع عقیدتی بی‌مسئولتی خود را توجیه کند.

«پیشرفت نیروهای امنیتی در قندوز بسیار خوب است»

از سوی هم آخرین گزارش‌ها از قندوز از پیشروی نیروهای امنیتی در برابر طالبان حکایت دارد. صدیق صدیقی، سخن‌گوی وزارت داخله و محمد رادمنش، معاون سخن‌گوی وزارت دفاع ملی دیروز در نشست خبری گفتند که از یک‌شنبه‌شب به این‌طرف طالبان از ساحات حوزه‌ی دوم، بالاحسار، سرک بین الچین–خان‌آباد و قندوز و در شعاع چهار الی ۱۲ کیلومتری از مرکز شهر عقب زده شده‌اند.

آقای صدیقی پیشروی نیروهای امنیتی را «بسیار خوب» توصیف کرد و گفت که طالبان تلفاتی را نیز متقبل شده‌اند، ۲۲ تن از فرماندهان این گروه به‌شمول والی نام‌نهادشان برای ولایت تخار در جریان یک هفته کشته شده‌اند.

آقای صدیقی گفت که عملیات پاکسازی نیروهای امنیتی همچنان به‌شدت جریان دارد و نیروهای امنیتی این‌بار نمی‌گذارند که طالبان از ساحه فرار کنند یا پنهان شوند.

از سوی هم آقای صدیقی علت سقوط قندوز را به شرایط جنگی نسبت داد که گویا در شرایط جنگی از این اتفاقات می‌افتد.

این سخن‌گویان جابه‌جای طالبان در خانه‌های مسکونی، استفاده از غیرنظامیان به‌عنوان سپر انسانی، کارگزاری ماین‌های ضد پرسونل و ضد وسایط در خانه‌ها را از عوامل کندی عملیات نیروهای امنیتی در شهر قندوز خواندند.

اقتصادی آن به جیب بیگانگان سرازیر شده، غرور ملی هر افغان را نیز جریحه‌دار ساخته است»

سعادت نادری خطاب به رییس‌جمهور گفت حمایت از صنعت قالین در واقعیت امر، پاسداری از غرور ملی و حمایت از فرهنگ متعالی افغان‌هاست که بارقه‌ی امید را در دل هم‌وطنان ما روشن می‌سازد.

آقای نادری گفت ایجاد این شهرک‌ها از فروش و عرضه‌ی قالین افغانی به نام پاکستان و سایر کشورهای همسایه در نمایشگاه‌ها و بازارهای جهان جلوگیری خواهد کرد.

عصمت‌الله باتور، رییس اتحادیه‌ی صادرکنندگان قالین در مراسم امضای قرارداد ایجاد شهرک‌های رهایشی و صنعتی قالین گفت صنعت قالین افغانی تاهنوز به شکل سنتی در منازل مسکونی ساخته می‌شود و تقریباً ۸۰ درصد قالین‌بافان را زنان تشکیل می‌دهند.

مشکلات صنعت قالین افغانی

آقای باتور گفت: «صنعت قالین افغانی درحال حاضر تحت فشار است. اجاره‌داری‌های اضافی، اخاذی‌ها، ایجاد موانع برای ورود مواد خام، ارسال قالین به‌شکل نیمه‌کاره بدون تعیین جنسیت کوالتی کنترل توسط یک یا دو کمیشن‌کار به یک کشور، زمینه‌سازی برای آن در اثر تداخل وظیفوی اتحادیه‌ی قالین از سوی ادارات دیگر»

رییس اتحادیه‌ی صادرکنندگان قالین در این مراسم گفت قیمت یک متر مربع قالین افغانی سابق ۱۲۰ دالر امریکایی بود اما فعلا به ۵۵ دالر کاهش یافته است. او گفت: «مگر همین قالین ده روز قبل در نمایشگاه قالین لاهور فی متر اضافه از ۲۰۰ دالر به فروش رسیده است.» آقای باتور گفت در راستای تحقق اهدافی که دولت در زمینه‌ی صنعت قالین در کشور دارد کاملاً متعهد است. صنعت قالین و قالین بافی در کشور تاریخ‌چهی طولانی دارد. روزگاری منبع درآمد بسیاری از مردم و یکی از کالاهای مهم صادراتی افغانستان به شمار می‌رفت. اما این صنعت در سال‌های اخیر به‌دلیل کم توجهی مسئولان رو به زوال رفته است. نبود امکانات پروسس در کشور یکی از مشکلات عمده‌ی فراوری صنعت قالین در کشور گفته می‌شود.

یک مرکز ساخت ماین مربوط به گروه طالبان در تخار کشف شد

به ماین، یک واسکت انتحاری، ۵۰ عدد حقالسوق هاوان، ۱۲ دریشی نظامی، یک صندوق مرمی دهشکه، شش عدد کپسول انفجاریه و مقدار زیادی اجناس و موادی که در ساخت ماین‌ها از آن استفاده می‌شود، به‌دست آورده‌اند.

امینت ملی می‌گوید با کشف این مرکز از انجام فعالیت‌های تروریستی و تخریبی در ولایت تخار جلوگیری به‌عمل آمده است.

خبرنگار ناراضه

هادی دریابی

اولویت‌ها فرق می‌کند

بر اساس نظریه‌ی رویین فته‌گوسکی، اولویت‌شناس معروف قرن بیست‌ویک، در یک جامعه ممکن است اولویت‌ها فرق کند. مثلاً مردم یک چیز بخواهند، حکومت چیزی دیگر. یا حتا ممکن است مردم به چند بخش تقسیم شود و هر بخش اولویت‌های خودشان را داشته باشد. اولویت‌های متنوع مردم، طبیعی است. اما اختلاف حکومت و مردم در اولویت‌ها، همیشه درست نیست.

مثلاً فرض کنید در یک کشور، اولویت مردم جنوب مکانیزه کردن زراعت است. اولویت مردم شرق، سرمایه‌گذاری روی معادن است. اولویت مردم شمال، ممکن ایجاد سدهای بزرگ برای جلوگیری از خشکسالی باشد، اولویت مردم غرب هم ممکن تاسیس بنادر مدرن تجاری باشد و اولویت مناطق مرکزی ممکن بهبود سیستم ترانسپورت باشد. این اختلاف‌ها در اولویت قابل‌شدن طبیعی است. اما اگر در همین زمان حکومت به‌جای رسیدن به اولویت‌های یادشده، شرکت در محافل ختم قرآن شریف و مراسم فاتحه را در اولویت قرار دهد، اوضاع خوب نخواهد شد. ممکن خراب شود.

حالا به توجه به این مسأله، خواستیم چند اولویت فوری را خدمت شما به عرض برسانیم. اول از کابل شروع می‌کنیم. کابل طبق معمول هیچ اولویت تعریف شده‌ی ندارد. اما همان‌گونه که می‌دانید ایام محرم است و عاشورا نزدیک. به همین مناسبت، عده‌ی از مردان تصمیم گرفته‌اند روز عاشورا، با کارد و چاقو به جان خویش بیافتند. اولویت آن‌ها این است که فقط با چاقو بر پشت و فرق خود بکوبند و خود را خونین کنند. این جمع ادعا دارند که پاره‌پاره کردن خود به یاد امام حسین غیرت کار دارد که خیلی‌ها آن را ندارند. سخن دیگری را هم قبول ندارند، چون از شروع محرم، عقل خویش را یک گوشه می‌گذارند که مزاحم نشود. خدا نکند به آن‌ها بگویی که برادر قمه‌زدن نه عشق را ثابت می‌کند، نه ایمان را، نه تقوا را و نه هیچ چیز دیگری را مگر جنون و دیوانگی؛ گور خویش را در جا کنده‌ی. خدا هم رحمت کند چون آدم بی‌شعوری بودی.

اما اولویت در قندوز و فراه چیز دیگری است. فرار از شهر و خانه. فرار از جنگ و دهشت. برای‌شان مهم نیست اشرف غنی رییس‌جمهور است یا ملا هیبت‌الله. فقط از خدا می‌خواهند سرک فراه و خلوت گیر بیاورند و با آخرین سرعت دور شوند. اما بدبختانه، سرک‌های این دو ولایت هم تنگ آباد شده که از سرعت‌شان در فرار از خطر، می‌کاهد. شاید اگر از آن‌ها بپرسی که دوست داشتی دولت در چهارده سال گذشته چه کار باید می‌کرد؟ می‌گفتند که ای کاش این سرک لغت‌ی را کمی فراخ‌تر ایجاد می‌کردند. اگر خدای نخواست به آن‌ها بگویی که نگران نباشید، رییس‌جمهور کاری خواهد کرد، در حقیقت درد دل‌شان را ده برابر کرده‌ی. اولویت حکومت هم طبق معمول چیز دیگری است. این روزها اولویت رییس‌جمهور سرزدن ناگهانی به شفاخانه‌ها و حوزه‌هاست تا ببیند چه کسی شایسته‌ی برکناری است. به نظر رییس‌جمهور مبارزه با فساد یعنی برکناری ماموران پایین‌رتبه. مامورینی که برکناری‌شان سر و صدا ایجاد نمی‌کند. جای نشانی باشد، اگر کل کشور هم سقوط کند و تنها کابل در کنترل حکومت باشد، باز هم هیچ سوالی از وزیر داخله، وزیر دفاع و رییس امنیت ملی نخواهد شد. هیچ کسی هم یخن شورای امنیت ملی را نخواهد گرفت. ممکن قوماندان امنیه‌ی قندوز را به غزنی و از فراه را به بدخشان تبدیل کند. در همین حال که رسیدن به بیجاشدگان داخلی از توان حکومت بالاست، حکومت برگرداندن صدها هزار مهاجر را نیز در اولویت خویش قرار داده‌اند. ما که الحمدلله به اندازه‌ی کافی عشق حکومت به مردم را می‌فهمیم، این را نیز می‌دانیم آن چند میلیون دالری که از رهگذر برگشت پناهجویان به حساب حکومت واریز می‌شود، مهم است نه خود پناهجویان. در این قسمت آقای رویین فته‌گوسکی می‌گوید که اگر واقعاً مردم مهم است، بهتر آن است که حکومت به مردم حاضر در کشور توجه کند تا آن‌ها راه خطرناک مهاجرت‌های غیرقانونی را در پیش نگیرند.

خُب دیگه، ما که روی همه چیز اختلاف داریم، باید طبیعی باشد که اولویت‌های‌مان نیز از هم فرق کند.

موادمنفجره‌ی طالبان قوی ترمی شوند، سربازان افغانستان بهایش را می‌پردازند

■ واشنگتن‌پست/پامیلا کانستیل

■ ترجمه: حمید مهدوی

هوایماهای جنگی امریکایی بمباردها شد که ۴۲ مریض و کارمند را کشت. اخیراً، محمودی در حالی که در یک اتاق پر از مردان ظاهراً غمگین در ولچرها نشسته بود، ابتدا اشتیاقی به صحبت کردن نداشت. اما وقتی یک درمانگر گفت که او باید اعضای مصنوعی جدیدش را نشان بدهد، او خوشحال شد. او به‌سختی خود را در حماه/پشتان‌های پیچیده جا داد و خودش را بالا کشید. ناگهان، او بسیار قدلند به نظر رسید. او گفت: «من برای کشورم قربانی دادم. حالا، هر روز این‌جا می‌آیم و کوشش می‌کنم دوباره قوی شوم. می‌خواهم مهارتی را یاد بگیرم. می‌خواهم روی پاهای خودم بایستم».

کایرو گفت که او و کارمندانش از پرسیدن پرسش‌های غیرطبیعی زیاد از مریضان‌شان خودداری می‌کنند، چون جنگ‌های افغانستان تیره و سیاسی بوده است و آن‌ها نمی‌خواهند رزمندگان سابق را از کمک خواستن بترسانند، فرقی نمی‌کند که آن‌ها برای کدام طرف می‌جنگند. کایرو، یکی از غربی‌های نادری که در طول سه جنگ اینجا مانده است، گفت: «ما تحقیقات نمی‌کنیم، از همه استقبال می‌کنیم.» «ما طالبان پیشین، مجاهدین پیشین، سربازان ارتش و پولیس جدید را داشته‌ایم که همه روی عین نیمکت نشسته‌اند و ما هیچ‌وقت هیچ حادثه‌ی نداشته‌ایم.» در یک اتاق دیگر، محمد عزت‌الله ۲۴ ساله دراز کشیده است، کسی که با اصابت گلوله در ستون فقراتش فلج شده است و وقتی فکر کرد که دیگر هرگز نمی‌تواند راه برود، غرق در غم و تاریکی شد. او که یک افسر پولیس مرزی بود، در بهار سال گذشته در جریان تبادل آتش با طالبان در ولسوالی خاشین، ولسوالی مرزی نامن در هلمند که ستیزه‌جویان هفته‌ی گذشته بار دیگر بر آن تاخت‌وتاز کردند، هدف شلیک گلوله قرار گرفت. او توضیح می‌داد که معاش ماهانه‌ی تقریباً ۲۰۰ دالری او تنها درآمد خانواده‌ی ۱۲ عضوی او است، گفت: «من احساس ضعف و غمگینی می‌کنم، اما نگرانی اصلی من خانواده‌ام است.» «وزارت به من گفت که تا ده ماه معاشم را خواهد داد که تقریباً تمام است. من هفت سال خدمت کردم و امیدوارم فراموشم نکنند».

بسیاری از این کهنه‌سربازان جوان و با معلولیت شدید، از زندگی در خانه سر برآورده‌اند، گوشه‌نشین و بی‌پروا، دامادانی که دیگر قابل قبول نیستند و به برادران یا والدین‌شان وابسته‌اند تا از آن‌ها پرستای کنند، به آن‌ها غذا بدهند یا لباس بر تن‌شان کنند. با این‌وجود، تعداد اندکی ظاهراً هدفی در زندگی پیدا کرده‌اند. یکی از آن‌ها محمد جاوید، ۲۶ ساله است، سرباز پیشینی که هر دو پا و بخش‌هایی از دو دستش را در نتیجه‌ی انفجار یک مواد انفجاری در جریان یک گشت‌زنی در سال ۲۰۱۳ در هلمند از دست داد. او از طریق ارتش افغان و امریکا مراقبت گسترده‌ی طبی دریافت کرد، اما هرگز با اعضای مصنوعی جور نیامد. او با خانواده‌اش در یک منطقه‌ی فقیرنشین پایتخت زندگی می‌کند، جایی که او با ولچر موتوری از کوچه‌های خاکی به‌سختی عبور می‌کند. او در یکی از روزهای اخیر در خانه‌اش، در حالی که از پیاله‌ی که برادرش نگهداشته بود آب می‌نوشید، با پوزخند کنایه‌آمیزی گفت: «من بسیار قد بلندتر بودم». او به عکسی روی دیوار اشاره کرد که در یک روستانی پر گردوخاک گرفته شده بود. این عکس مرد جوان متکبری را در یونیفورم نشان می‌داد که عینک‌های سیاه به چشم کرده بود و راکت‌انداز در پشتش حمل می‌کرد. او گفت: «این آخرین ماموریت من بود». این روزها، او ماموریت تازه‌ی دارد - در ولچرش از شهر می‌گذرد به وزارت دفاع می‌رود، ساعت‌ها بیرون دروازه می‌نشیند، دادخواستی را حمل می‌کند و به هر کسی که می‌پرسد می‌گوید که باید حکومتی برای او و دیگر کهنه‌سربازهای معلول بیشتر کار کند. نظر به سیاست ارتش، جاوید هنوز نیم معاشی که ۱۲۰ دالر در ماه می‌شود را دریافت می‌کند و به او قطعه‌زمینی داده شده است، اما او هنوز فکر می‌کند کافی نیست. او گفت: «من از آن‌چه که برای کشورم انجام دادم پشیمان نیستم، اما ناامیدم.» «منی‌خواهم باروش باشم. گاهی وقتی مردم مرا می‌بینند، روزشان خراب می‌شود. اما افراد زیادی هستند که با آن‌ها جنگیدم و آن‌ها نیز زخمی بودند، گاهی حتا بدتر از من. کوشش می‌کنم طرف خوب را نگاه کنم. حداقل من یک گدا نیستم».



کایرو گفت که او و کارمندانش از پرسیدن پرسش‌های غیرطبیعی زیاد از مریضان‌شان خودداری می‌کنند، چون جنگ‌های افغانستان تیره و سیاسی بوده است و آن‌ها نمی‌خواهند رزمندگان سابق را از کمک خواستن بترسانند، فرقی نمی‌کند که آن‌ها برای کدام طرف می‌جنگند. کایرو، یکی از غربی‌های نادری که در طول سه جنگ اینجا مانده است، گفت: «ما تحقیقات نمی‌کنیم، از همه استقبال می‌کنیم.» «ما طالبان پیشین، مجاهدین پیشین، سربازان ارتش و پولیس جدید را داشته‌ایم که همه روی عین نیمکت نشسته‌اند و ما هیچ‌وقت هیچ حادثه‌ی نداشته‌ایم».

زایدی را می‌دیدیم که یک پای‌شان قطع شده بود. اکنون ما بسیاری‌ها را می‌بینیم که هر دو را از دست داده‌اند و آن‌ها بسیار جوان هستند. اون اکنون رییس برنامه‌ی ارتوپدی در شفاخانه‌ی در کابل است که توسط کمیته‌ی بین‌المللی صلیب‌سرخ اداره می‌شود.

کایرو از زمانی که ۲۶ سال قبل، در جریان جنگ افغان-شوری، کارش را آغاز کرد، با بیش از ۱۲۰۰۰ سرباز ارتش و پولیس که اعضای بدن‌شان را از دست داده‌اند، کمک کرده است. سال گذشته، برنامه‌ی او به ۲۷۵ معلول نیروهای امنیتی که اعضای‌شان را از دست داده‌اند، کمک کرد و ۹۴۵ عضو مصنوعی را در اختیار آن‌ها قرار داد. آمبولانس‌های شفاخانه‌های ارتش و پولیس از کابل هر روز به برنامه‌ی کایرو مریض تحویل می‌دهد، جایی که آن‌ها تمرین می‌کنند، استفاده از دست‌ها و پاهای مصنوعی را یاد می‌گیرند، در مورد اقدام مجدد در جامعه مشوره دریافت می‌کنند و بازی بسکتبال با ولچر را یاد می‌گیرند.

وقتی جواد محمودی روی صندلی چرخدارش می‌نشیند کوتاه‌قد است، یک نیم‌تنی که چیزی جز هوا زیر استخوان‌های رانش نیست. چشمانش چاک‌های محفوظ و صورتش بی‌احساس و ناگویا است. اما وقتی می‌ایستد و خود را در پشتبان‌های پلاستیکی و پاهای فولادی جا می‌دهد و خودش را کشیده و بین دو میله تمرینی راست می‌کند، نور پیروزی در چشمانش دیده می‌شود. برای یک لحظه، او به سربازی می‌ماند که زمانی بود.

افغانستان برای مدتی طولانی در جنگ بوده است، به اندازه‌ی که سه نسل قربانیان میدان نبرد را تولید کرده است. هزاران تن از آن‌ها اعضای بدن‌شان را از دست داده‌اند، اکثراً در نتیجه‌ی [انفجار] ماین‌های زمینی ساخت شوروی و دیگر مواد منفجره. معلولین نظامی سابق (کسانی که اعضای بدن‌شان را از دست داده‌اند)، چهره‌های آشنا در خیابان‌ها هستند، کسانی که عصا به‌دست در چهار راه‌ها گدایی می‌کنند یا رشته‌های کارت‌های تلفن همراه را در بر بازوهای بی‌دست‌شان می‌فروشند.

اما جنگ علیه طالبان در یک دهه‌ی گذشته نسل جدیدی از مردان معلول را ایجاد کرده است که تقریباً تمام آن‌ها بین ۲۰ تا ۳۰ سال دارند. بسیاری از آن‌ها در جریان جنگ در مناطقی چون ولای‌های قندوز و هلمند که در خیرها اهداف جدید تهاجم طالبان گفته می‌شوند، زخمی شده‌اند. اکثریت آن‌ها در مقایسه با کهنه‌سربازان سابق با شدت بیشتری زخمی شده‌اند، چون مواد انفجاری ای که امروزه توسط ستیزه‌جویان استفاده می‌شود، به مراتب قوی‌تر هستند. آلبرتا کایرو، دکتر ایتالیایی که از سال ۱۹۸۸ تاکنون با قربانیان معلول جنگ کار کرده است، گفت: «ما بیماران

آن نیز بپردازند. به این ترتیب امیدوار است امکان مشاهده‌ی آن برای کسانی که به هر دلیل توان دستیابی به تلسکوپ یا عینک مخصوص ندارند فراهم شود.

چرا ماه؟

ماه همواره برای بشر اهمیت خاصی داشته و تقریباً در همه‌ی اساطیر منبع خیال‌پردازی و افسانه برای یافتن تصویر انسانی در آن بوده است. سیرانو دو برژوراک در قرن هفدهم درباره‌ی انسان‌هایی نوشت که از ماه می‌آمدند و همین‌طور برای ژول ورن و ارژو نیز الهام‌بخش بود. نیل آرمسترانگ نیز فرود آمدن روی ماه را گامی کوچک برای یک انسان و جهشی بزرگ برای بشریت خواند.

ژان اودوز توضیح می‌دهد: «به جز جزر و مد اقیانوس‌ها، ماه به‌عنوان نگهدارنده‌ی مدار زمین نقش مهمی در حیات روی سیاره‌ی ما بازی می‌کند.»

این اولین باری نیست که مجسمه‌ی روی ماه قرار می‌گیرد. «فضانورد افتاده» نام آدمک آلومینیومی هشت سانتی متری در لباس فضانوردی است که به یاد فضانوردانی که در راه اکتشافات فضایی جان خود را از دست داده‌اند در تاریخ اول اوت ۱۹۷۱ در ماه قرار داده شد.

خود آیلور بنون نیز هنرمندی است که در میان فرانسوی‌ها به عجیب بودن محل نمایش آثارش شهرت دارد. در نرماندی فرانسه، مجسمه‌های «شجاعان» اثر این مجسمه ساز در ساحل اوما زیر آفتاب می‌درخشند و بطرز عجیبی حرکت را تصویر می‌کنند.

او این بنای یادبود را در شصتمین سالگرد روز دی (D Day) ارائه داد. روز دی روزی است که بزرگترین عملیات آبی-خاکی تاریخ در ساحل نرماندی فرانسه با شرکت چهارده کشور برای شکست ارتش نازی انجام شد. عملیاتی که شاید با روحیه و اهداف صلح طلبانه این هنرمند کمی در تناقض باشد.

آیلور بنون می‌گوید: «این مجسمه به من سفارش داده نشده بود. تنها حسن‌نیت به شجاعت به معنای عام انگیزه‌ی ساخت آن شد؛ شجاعتی مثل شجاعت یک تک‌والد برای تربیت و پرورش فرزندش.»

«شجاعت در زمان حال به معنای اعلام آمادگی افراد است برای کمک به نیازمندان. بعضی افراد بدون کمک دیگران قادر نیستند از موقعیت‌های دشوار بگذرند و کمبود این آمادگی در اطراف ما بسیار محسوس است.»

شجاعان بنایی عظیم از جنس فولاد است که با امواج بلند و کوتاه در در محل تلاقی آب و ساحل نصب شده است، شاید برای این‌که تصویری از سربازانی بدهد که زمانی از آب بیرون می‌آمدند تا با نیروهای هیتلر رو در رو شوند. دو قسمت این بنا «بال‌های برادری» و «بال‌های امید» نام دارند که بخش میانی و عمودی دیگری به نام «قیام آزادی» را احاطه کرده‌اند.

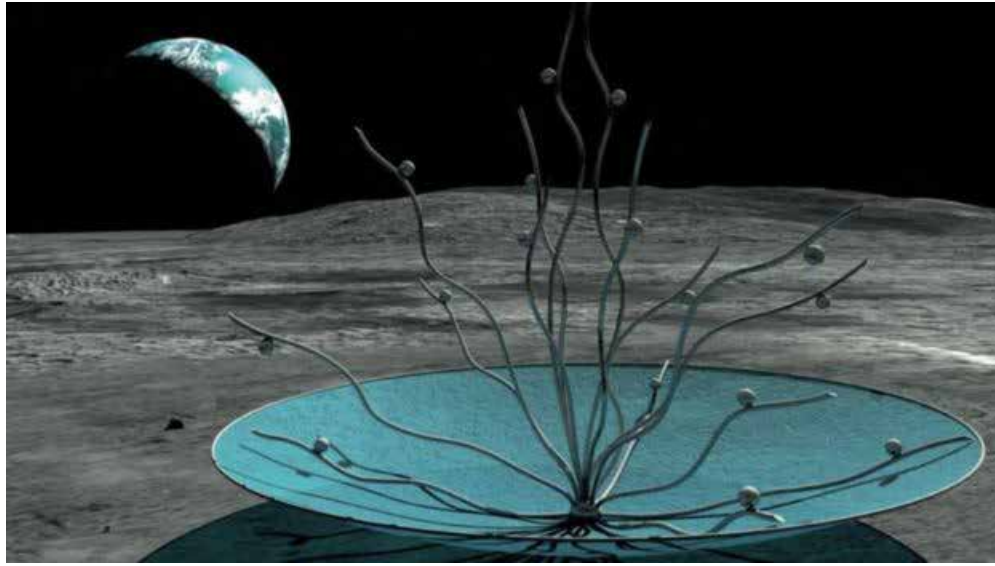
انی-لور بنون می‌گوید: «آثار من همیشه ترکیبی از علم و هنر بوده چون به نظر من اقدامات هنری و علمی نزدیکی زیادی به هم دارند و هر دو در جهت صلح و آرامش پیش می‌روند.»

او به این جمله‌ی اینشتین اشاره می‌کند که گفته بود: «علم و هنر تنها پیام‌آوران موثر صلح هستند؛ آنها مرزهای بین ملل را پاک می‌کنند و بسیار بهتر از هر معاهده‌ای ما را به تفاهم بین‌المللی می‌رسانند.»

سازه‌ی در ماه که از زمین قابل رویت خواهد بود

■ درنا کوزه‌گر - روزنامه‌نگار

■ (بی‌بی‌سی)



متاثر کرده بود اما مواد به‌کار رفته در مجسمه قابل بازیافتند و برای رویت آن هم فقط تاریخ‌های مشخصی تعیین خواهد شد.»

طرفداران محیط زیست همواره در مورد تحقیقات فضایی مخالفت‌هایی داشته‌اند. به نظر سبزه‌ها این تحقیقات به طرق مختلف محیط زیست کره‌ی زمین را آلوده می‌کنند: مواد شیمیایی موشک‌ها به‌خصوص سوخت آن، انتشار دی اکسید کربن، انرژی مصرفی برای ساخت تجهیزات و غیره. بعلاوه در نتیجه‌ی این تحقیقات، در فضا نیز زباله‌هایی به عمد یا سهو رها شده‌اند که در مدار زمین در حال گردش هستند.

وبگاه یونیورس تودی می‌نویسد که برنامه‌ی صور فلکی امریکا برای مسافرت آزاد به ماه پانصد صفحه را به آلوده کنندگی آن برای محیط زیست اختصاص داده بود در حالی که در این گزارش حتی به تولید انرژی در پایگاه جان اف. کندی یا زباله‌های فضایی یا استفاده از لیزر در فضا که برای جانداران دریایی خطر جدی در بردارد اشاره نشده بود.

آیلور بنون می‌گوید: «برای من نزدیک کردن مردم و درک یکدیگر و کمک به همدیگر بسیار مهم است.» این مجسمه‌ساز در صدد است پس از استقرار اثرش بر روی ماه جلساتی در نقاط مختلف دنیا تشکیل دهد تا ضمن توضیح و تفسیر انگیزه‌اش از این کار به مشاهده‌ی

برای جلوگیری از اثر مخرب آن‌ها، این سازه‌ی یکپارچه و بدون اتصال ساخته شده است. شهاب‌واره‌های خرد و اشعه‌ی ماورای بنفش، ذرات پراثری یونیزان و دمای سطح ماه که بین ۱۵۰ درجه مثبت و منفی در تغییر است، از دیگر مزاحمان این پروژه‌اند.

شان وایت هد در جلسه‌ی رونمایی این اثر در سرن گفت: «باید موادی انتخاب می‌شد که به‌راحتی در برابر پرتوهای یونیزان تجزیه نشوند و در شرایط خشن ماه از بین نروند.» تخمین زده می‌شود این سازه تا ده سال روی ماه سالم باقی خواهد ماند و در صورت امکان سفر به ماه بازدید از آن نیز ممکن خواهد شد.

اما راه انتقال این سازه به ماه هنوز مشخص نشده است. گروه تحقیقاتی این پروژه امیدوارند فضانوردی را پیدا کنند که مجسمه‌ی آن‌ها را روی ماه قرار دهد.

ژان اودوز، اختفیزیکدان و مدیر تحقیقات مرکز ملی پژوهش‌های علمی فرانسه می‌گوید: «از سال ۱۸-۲۰۱۷، شرکت‌های خصوصی مت گوگل و دیگران پرتاب سفینه‌های خصوصی را به ماه آغاز می‌کنند و به احتمال زیاد چین، روسیه و امریکا نیز دوباره به سوی ماه بازخواهند گشت. در آن زمان بالاخره کسی را پیدا می‌کنیم که وسیله‌ی ما را با خودش ببرد.»

خانم بنون می‌گوید: «گذشته از نگرانی در مورد آلودگی محیط زیست، احتمال تغییر منظره‌ی طبیعی ماه مرا بسیار

قرار است اثر هنری یک مجسمه‌ساز زن فرانسوی به کره‌ی ماه فرستاده شود و از کره‌ی زمین هم قابل رویت باشد. سرن به کمک آژانس فضایی اروپا، سازه آیلور بنون را به ماه می‌فرستد تا ضمن مطالعه‌ی ماندگاری این اثر، پیام صلح و دوستی را نیز در لحظاتی از پیش تعیین‌شده با چراغ چشمک زن برای زمین مخابره کند.

آیلور بنون معتقد است اثر هنری او فاقد ملیت است و به همه‌ی مردم دنیا تعلق خواهد داشت.

این پروژه که ویتته (حیات) نام دارد چهار مرحله دارد و اکنون در مرحله‌ی پیش‌نهایی، اثر دست یک میلیون نفر از مردم دنیا در حال جمع‌آوری است تا با چاپ آن روی سازه، به ماه فرستاده شوند. در میان دست‌ها اثر دست نیل آرمسترانگ، اولین کسی که قدم بر ماه گذاشت، نیز به ماه فرستاده خواهد شد.

همه‌ی مراحل این طرح از سال ۲۰۱۱ تاکنون شبیه‌سازی و امتحان شده‌اند و در مرحله‌ی پیشین که لبه‌ی فضا نام داشت، یک نمونه به مدار نزدیک زمین (LEO) در ارتفاع دوهزار کیلومتری فرستاده شد.

سازه آیلور بنون در ابتدا شبیه یک پیله (یا غنچه بسته) است که در آن پرسوناژهایی بصورت فشرده در کنار هم قرار گرفته‌اند. بر اثر گرمای خورشید سازه مثل گلبزرگ باز می‌شود و پرسوناژها مثل پرچم گل پراشیده می‌شوند. روی گلبزرگ‌ها اثر یک میلیون دست زمینی حک خواهد شد و در وسط گل، از سر دو پرچم، نور سبزی بعنوان منبع زندگی ساطع خواهد شد.

این گل در شب ماه باز و در روز ماه بسته می‌شود. در طول روز ماه، باتری خورشیدی زیر گل، انرژی ذخیره می‌کند تا برای شکفتن در شب ماه از آن استفاده کند.

اما چون هر شب و روز ماه تقریباً معادل یک ماه زمینی است، مشاهده آن در زمان‌های خاص و با عینک خاص اما ساده‌ای ممکن خواهد بود.

آیلور بنون می‌گوید: «در ابتدا، شکفتن گل در شب حرکتی نمادین بود برای این‌که مردم کره‌ی زمین شب‌ها با ماه ارتباط برقرار می‌کنند. اما در طول مراحل فنی پروژه با توجه به سرمای زیاد شب ماه، فهمیدیم که این کار در واقع اجتناب‌ناپذیر بود.»

این اثر به سبک یک ارگامی کاملاً کوچک طراحی شده و در ابتدا یک کیلوگرم وزن دارد. پس از آن به تناسب شرایط حمل و نقل وزن و ابعاد آن می‌تواند تا چهار کیلوگرم (یک متر و نیم تا چهار متر و نیم پنهان) تغییر کند. آیلور بنون می‌گوید: «شکفتن گل فقط به‌خاطر خاصیت مواد آن است که تغییر دما در روز و شب باعث باز و بسته شدن آن می‌شود و مکانیزمی برای این حرکت تعبیه نشده است اما برای استفاده‌ی بهینه از انرژی خورشید، باتری کوچکی زیر آن کار گذاشتیم که گل را در جهت حرکت خورشید بچرخاند.»

اما اگر قرار باشد گل در جهت یک جسم نورانی بچرخد، در شب ماه، زمین نورانی‌ترین جرم آسمان خواهد بود.

شان وایت هد، مدیر فنی شرکت اسکوتک در بریتانیا توضیح داد که به همین خاطر لیزری در این سازه نصب شده که موقعیت زمین را تشخیص دهد.

شرایط جوی ماه شرایط سختی است. یکی از مشکلات این پروژه گرد و غبارهای بسیار ریز و ساپنده ماه بود و

نگرانی کمیسیون مستقل حقوق بشر از تداوم جنگ و وضعیت

بیجاشدگان در قندوز، ارزگان و هلمند

همین‌گونه از مناطق مختلف ولایت ارزگان از جمله شهر ترینکوت نیز حدود ۳۰ هزار نفر بی‌جا شده و در جاهای مختلف این ولایت و از جمله پنج هزار نفر در شهر قندهار جابه‌جا شده‌اند. همچنان از شهر لشکرگاه و ولسوالی‌های دیگر هلمند نیز حدود شش هزار خانواده بی‌جا شده و در شهر قندهار پناه گرفته‌اند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر گفته است حدود سه هزار خانواده که از شهر قندوز فرار نموده و به شهر تالقان رفته‌اند، در ساختمان‌های دولتی و یا هم در بعضی از خانه‌های اقارب خود جابه‌جا شده‌اند و یک تعداد آن‌ها هنوز هم در فضای باز به سر می‌برند. به تعداد ۱۴۹۶ خانواده که شامل ۱۰ هزار تن می‌شود از قندوز آواره شده و در شهر مزارشریف به سر می‌برند.

به نقل از اعلامیه‌ی این نهاد: «به تعداد ۹۱۴ خانواده از شهر قندوز فرار نموده و به شهر کابل آمده‌اند که تقریباً ۵۰٪ آن‌ها در کوتل خیرخانه و بوستان کابل جابه‌جا شده‌اند؛ اما تا هنوز هیچ کمکی از طرف هیچ مرجعی به آن‌ها ارائه نشده است. برای بیجاشدگان ولایات ارزگان و هلمند نیز تا اکنون کمک‌های بشردوستانه نرسیده است.»

اطلاعات روز: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از شدت، تداوم جنگ و وضعیت بیجاشدگان در ولایت‌های قندوز، ارزگان و هلمند ابراز نگرانی کرده و از طرف‌های درگیر می‌خواهد که حفاظت از جان و مال افراد ملکی را در اولویت قرار بدهند.

این کمیسیون می‌گویند طرف‌های درگیر جنگ مکلف‌اند که قوانین جنگ را رعایت نموده و مطابق اصول و قواعد حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی و قوانین نافذه‌ی کشور، هیچ‌کس اجازه ندارد که افراد ملکی را مورد هدف قرار داده و به جان و مال افراد غیرنظامیان آسیب وارد کنند.

این کمیسیون به روز دوشنبه، ۱۹ میزان با نشر اعلامیه‌ی گفته است که تعداد زیادی از مردم به‌شمول زنان، مردان و کودکان در جریان درگیری‌های مسلحانه از شهرهای قندوز و لشکرگاه و مناطق مختلف ولایت ارزگان بی‌جا شده و اکنون در وضعیت بدی به سر می‌رند.

گزارش‌های کمیسیون نشان می‌دهد که حدود ۱۰ هزار خانواده از شهر قندوز فرار نموده و در شهرهای تالقان، مزارشریف، کابل و فیض‌آباد پناه گرفته‌اند. به

اکثریت مزارع از بین رفته و برخی از مردم مواسی خود را نیز از دست داده‌اند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر از دولت افغانستان و سازمان‌های بین‌المللی می‌خواهد تا هرچه زودتر به کمک بیجاشدگان شتافته و کمک‌های بشردوستانه را به‌طور فوری، مؤثر و با هماهنگی کامل با یکدیگر به آوارگان این جنگ‌ها اختصاص بدهند.

این کمیسیون می‌گوید با توجه به سرد شدن هوا و نزدیک شدن زمستان، لازم است تا کمک‌های بشردوستانه برای بی‌جاشدگان به‌طور اساسی و هدفمند اختصاص یابد.

کمیسیون مستقل حقوق بشر درحالی از وضعیت بیجاشدگان ابراز نگرانی می‌کند که روز یکشنبه اداره‌ی مستقل ارگان‌های محل از اختصاص ۱۰۰ میلیون افغانی کمک به بیجاشدگان قندوز و ارزگان خبر داد؛ ۷۰ میلیون افغانی برای بیجاشدگان قندوز و ۳۰ میلیون برای بی‌جاشدگان ارزگان.

منیره یوسف‌زاده، رییس اطلاعات و ارتباطات اداره‌ی مستقل ارگان‌های محل به روزنامه‌ی اطلاعات روز گفته بود این مقدار کمک به‌صورت شفاف و با درنظرداشت یک میکانیسم به بیجاشدگان توزیع خواهد شد.

به گفته‌ی خانم یوسف‌زاده، این مقدار کمک تنها برای بیجاشدگان داخلی شامل بیجاشدگان نامنی‌های اخیر درنظر گرفته شده است نه به بیجاشدگانی که به بیرون از ولایت قندوز و ارزگان رفته‌اند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان دریافته است که تعدادی از مردم ملکی در اثر درگیری‌ها کشته و زخمی شده‌اند. هرچند آمار دقیق کشته‌شدگان در دست نیست، اما براساس اطلاعات کمیسیون تا حال ۳۰۶ تن در اثر درگیری‌های شهر قندوز زخمی شده‌اند. همچنین یافته‌های کمیسیون نشان می‌دهد که برخی از خانه‌های مسکونی در اثر استفاده از سلاح‌های ثقیل تخریب شده و یا حریق گردیده است که یک تعداد دکان‌های قالین فروشی و یک مسجد نیز شامل می‌باشد. در شهر قندوز، تمامی ادارات دولتی و غیردولتی به‌شمول مکاتب مسدود می‌باشد.

اعلامیه گفته است که بیش از ۱۰۰ تن از افراد ملکی در ولایت ارزگان در نتیجه‌ی درگیری‌هایی که از یک ماه به این طرف ادامه دارد، کشته شده و صدها تن دیگر زخمی شده‌اند. از این میان پنج تن از افراد ملکی هفته‌ی گذشته در اثر انفجار ماین کنار جاده کشته شده که به‌دلیل تداوم درگیری‌ها جنازه‌های آنان هنوز در روی زمین مانده‌اند.

بنا به گفته‌ی این کمیسیون، ۱۱ فرد ملکی در هلمند کشته شده و ۱۶۶ تن دیگر زخمی شده‌اند.

به نقل از این اعلامیه، مخالفان مسلح دولت با پیشروی به‌سوی مرکز ولایت ارزگان، تمامی کانال‌ها و نهرهای آب را که به‌سوی شهر ترینکوت کشیده می‌شود، تخریب نموده و جلو ورود آب را گرفته‌اند که در اثر این عمل، اکثریت مردم با کمبود آب مواجه شده،

شهرک صنعتی «هوشمند» قالین

ستار ثابت



روز گذشته میان اداری مستقل اراضی و وزارت‌های شهرسازی و تجارت، و اتحادیه‌ی مولدین و صادرکنندگان قالین، قرارداد ایجاد «شهرک‌های رهائشی و صنعتی قالین» در ارگ ریاست‌جمهوری به امضا رسید. در مراسم امضای این قرارداد گفته شد که قرار است ۹ هزار جریب زمین در ولایت‌های ننگرهار، قندوز و بلخ، طی دو مرحله به این شهرک‌ها اختصاص داده شده و کار عملی آن آغاز گردد.

صنعت قالین، یکی از صنایع دیرینه و درازعمر در این کشور به حساب می‌رود. گفته می‌شود مردم این سرزمین حتی هزارها سال قبل از میلاد، دست به تولید فرش دست‌باف زده بوده و از آن منحصبت یکی از راه‌های کسب درآمد و معیشت خود استفاده می‌کرده بوده. به‌گواهی تاریخ و اسناد، مردمانی که در طی قرن‌های متمادی دست اندرکار تولید انواع فرش‌ها و گلیم‌های دستی بوده، با ظرافت خاص و به‌گونه‌ی این صنعت‌شان را توسعه و گسترش داده بود که یکی از فرش‌های شناخته‌شده در سطح جهان آن روز، فرش بوده که در «آریاناویجه» یا سرزمین آریایی‌ها تولید می‌شده است. چیزی که اما در گزارش از نوع و چگونگی ساخت فرش‌های آن‌روزی و تفاوتش با صنایع دستی امروز افغانستان مشاهده می‌شود، این است که دقت و توجه در ساخت فرش‌های دستی امروزی کم‌تر، تنوع کم‌تر و مدت‌زمانی که این فرش‌ها از آغاز کار تا وقتی که به بهره‌برداری می‌رسند، نیز بر همان قیاس کم‌تر است.

با توجه به تغییر برجسته‌ی که همواره در عرصه‌ی ابزار و وسایل ساخت فرش‌ها رونما می‌گردد، از ابتدایی‌ترین وسایل تا دستگاه‌های گوناگون امروزی، این تفاوت، امری است روشن و واضح. اما برابر با روایت اسنادی که در این زمینه از دوره‌های اولیه‌ی تولید فرش در این سرزمین باقی مانده، مسأله‌ی دیگری نیز به همان اندازه واضح و در عین حال، ناگوار می‌نماید: این که صنایع دستی امروزی، آن ظرافت و مقاومتی را ندارند که صنایع اولیه از آن برخوردار بوده. سوای این که کاهش مقاومت در تولیدات امروزی در هر زمینه‌ی به‌طور چشم‌گیری مشاهده می‌شود و تقریباً بیشترین تولیدات

معاصر نسبت به تولیدات قدیمی کوتاه‌ترین عمر را دارند، چیزی که در این موقعیت خاص تأمل برانگیز می‌نماید، این است که حتا نوع خاصی از تولید دستی که از زمانه‌های دور تا امروز باقی مانده، نیز به‌گونه‌ی خیره‌کننده‌ی کم‌عمر و ضعیف و یکبار-مصرف شده است و این یکبار-مصرفی آن الزاماً با ظرافت و زیبایی ویژه‌ی هم همراه نبوده. به‌گونه‌ی مثال، نمدی را که از پشم گوسفند در بعضی از مناطق و دهات افغانستان تا امروز ساخته می‌شود، بعد از یک سال استفاده، کاملاً فرتوت و تکه-پاره شده و دیگر قابل استفاده نیست. حال آن‌که همین فرش بر اساس خاطرات بعضی از زنان و مردان پیر دهات و قریه‌ها، حتا در چهل یا پنجاه سال قبل، تا هشت و یا ده سال مورد استفاده قرار می‌گرفته بوده‌اند.

باری، گذشته از دیرینه‌شناسی موضوع، چیزی که اکنون در خصوص این صنعت و اقدام اخیر نهادهای مرتبط به تولیدات دستی می‌توان از آن سخن گفت، این است که چگونه باید بار دیگر طوری از فرایند تولید و تجارت این صنعت استقبال و استفاده صورت بگیرد که آن جایگاه لازم در حوزه‌ی تجارت صنایع دستی در سطح جهان به آن اختصاص داده شود. امری که توجه به این مسأله را بدیهی‌تر می‌کند، این است که صنایع دستی افغانستان، به‌ویژه قالین دست‌باف این کشور، یکی از سرآمدان صنایع دستی در سطح جهان است. اما تا امروز هرگز آن برخورد با مواظبت از این صنعت که بتواند موقعیت افغانستان را به‌عنوان یکی از کشورهای عمده‌ی تولیدکننده‌ی فرش‌های دست‌باف در جهان تثبیت کند، صورت نگرفته است. بخش عظیمی از قالین افغانستان سال‌های سال است که توسط مهاجرین این کشور در زیرزمینی‌ها و کمپ‌های ناهمسامان پاکستان تولید می‌شود، اما در اخیر زمانی که مرحله‌ی فروش و تجارت آن فرا می‌رسد، این مهاجرین عقب زده شده و تولیدات‌شان به‌نام پاکستان وارد بازارهای جهانی می‌شوند. شبیه همین داستان در داخل کشور نیز تکرار شده است؛ مواد اولیه با یک قیمت هنگفت و خیلی بیشتر از آن‌چه که ارزشش را دارند اغلب

از پاکستان خریداری می‌شوند و بقیه‌ی کار تا مرحله‌ی که فرش به‌صورت خام تولید شده است، در افغانستان صورت می‌گیرد. سپس به‌خاطر رنگ‌ریزی و انجام دیگر ضروریات نهایی به پاکستان برده می‌شود و آن‌جا دوباره با نازل‌ترین قیمت توسط مافیاهای بازار فرش آن کشور خریداری شده و مهر و مشخصه‌ی پاکستانی بر آن می‌خورد و وارد چرخه‌ی تجارت در بازار جهانی می‌شود. روشن است که تکمیل این پروسه‌ی مافیایی، بدون همکاری شبه‌تجاران داخلی صورت نمی‌گیرد و حتا ممکن است نهادهای رسمی دولتی در مصنویت این تجارت مافیایی دخیل باشند، عجیب اما این است که دولت در روشنی و وضاحت تمام این مافیای را مشاهده می‌کند و تاکنون در مورد آن دمی برنیاورده است.

صنعت قالین در افغانستان نیز درست همچون دیگر تولیدات، صادرات و واردات این کشور مافیایی و در نتیجه، سیاسی شده است. زیرا عمق فاجعه‌ی فساد و مافیایگری، در حوزه‌ی سیاست اتفاق می‌افتد و توسط افراد سیاسی که در بدنه‌ی دولت شامل‌اند صورت می‌گیرد و کنترل بر صنایع و کل بازار واردات و صادرات کشور نیز از جمله مسئولیت‌های دولت است. اما از جانب دولت تاکنون، جز یک غفلت سنگین، اقدام دیگری در این زمینه دیده نشده است. قالین که حمایت و نظارت دقیق و مسئولانه از فرایند تولید و تجارت آن می‌تواند کمک بزرگی به اقتصاد خرد افغانستان باشد، در میانه‌ی این غفلت ناگوار در نهایت فقط توانسته به فقر بیشتر تولیدکنندگان آن و فربه شدن مافیاهای داخلی و خارجی منجر شود. از این‌رو، اختصاص دادن زمین و سرمایه و ساختن شهرک‌ها برای صنعت قالین و انواع فرش‌های دستی کشور و ایجاد سرپناه برای تولیدکنندگان آنها توسط حکومت به هدف گسترش و رونق بیشتر صنایع داخلی خوب است، مسأله‌ی روشن و قابل نگرانی اما این است که اگر حکومت چنان‌چه در دیگر موارد ید طولایی در تولید و بازتولید فساد دارد، در این خصوص نیز چنان کند، این شهرک‌ها فقط می‌تواند نمونه‌های دیگری از شهرک هوشمند و شیرپور و ده‌ها شهرک مافیایی دیگر باشد و بس.

چهل‌کده

سخن‌سازان

تقسیم کار میان دولت و طالبان

تصور کنید که همین امروز حزبی وجود می‌داشت با نام شورای نظار یا حزب وحدت یا جنبش ملی. بعد، شما به این حزب سلاح‌های مدرن آتشبار می‌دادید، تانک‌های پیشرفته می‌دادید و نیروهای پیاده‌اش را با صدها هلیکوپتر و طیاره‌های اکمالاتی و جت‌های جنگنده حمایت می‌کردید. آیا امکان داشت طالبان بر شهری حمله کنند و از عهده‌ی مقابله با نیروهای این حزب، هر کدام از این احزاب، برآیند؟ حالا به‌جای این حزب، که دیگر وجود ندارد، اردوی ملی مجهز یک دولت پر طول و عرض را بگذارید که حمایت‌های مستقیم نظامی و مالی ده‌ها کشور جهان را با خود دارد. چرا این اردوی مقتدر در برابر گروه تروریستی طالبان این‌چنین ناتوان است؟ چرا در دو سال تمام این اردوی شکوهمند، که یونیفورم‌های پلنگی سربازان و جنرال‌هایش آدم را احساساتی می‌کند، حتا قادر نیست شهر کندز را (از ولایت‌اش بگذریم) از چنگ کشتارجویان طالب آزاد کند؟

پاسخ به این سوال‌ها خیلی دشوار نیست. سربازان اردو خوب می‌جنگند و هم‌روزه جان خود را بر کف گرفته به مصاف کشتارجویان طالب می‌روند. روزی نیست که سربازان سر نوازند و داغ رفتن خود را بر دل خانواده‌های خود نگذارند. مشکل در مدیریت جنگ است. آن‌هم نه به این معنا که مدیرانی که رهبری جنگ را بر عهده دارند، آدم‌های بی‌کفایت و نادان یا ترسو هستند. بل به این معنا که مدیران بلندپایه‌ی کشور- تا وزیر دفاع و رئیس امنیت و رئیس‌جمهور- اساساً بنای مقابله با تروریست‌های طالب را ندارند. اگر چنان اراده‌ی باشد، چه‌گونه ممکن است طالبان هر سال چند بار بر شهری چون کندز حمله کنند و صدها انسان بی‌گناه را از دم تیغ بگذرانند و اردوی مجهز دولت نتواند یک بار برای همیشه سایه‌ی شوم آنان را از سر شهر و شهروندان کندز بردارد؟ چه‌گونه ممکن است دولت نتواند راه‌های تامین اسلحه و مواد خوراکی و خطوط لجستیک طالبان را قطع کند؟ طالبان نه نیرویی فوق انسانی دارند و نه از نیازهای معمولی یک گروه جنگنده مستغنی‌اند. امکانات تسلیحاتی و جنگی‌شان نیز در مقایسه با امکانات اردوی ملی بسیار ناچیز است. با وجود این، دیگر کاملاً آشکار است که طالبان در همه‌جا دست بالاتر دارند. چرا؟ برای این که دولت اشرف غنی می‌خواهد طالبان قدرتمند و مسلح بمانند، اما در عین حال، اگر ممکن باشد، به سقوط کامل این دولت رضا ندهند و بگذارند که بر اساس یک تقسیم کار قبلیه‌ی هر کس در جای خود نقش بازی کند.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz	
6 Months	120\$ USD
Annual	200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها	
۳۰۰۰ افغانی	شش ماهه
۵۰۰۰ افغانی	یک ساله

برای متعلمین و محصلین	
۲۰۰۰ افغانی	شش ماهه
۴۰۰۰ افغانی	یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

hussainjoya2014@gmail.com

- ❖ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
- ❖ معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- ❖ دبیر خبر: عصمت الله سروش
- ❖ گزارشگران: راحله رسیل، الیاس نواندیش
- ❖ ویراستار: عمران راتب
- ❖ صفحه‌آرا: هادی دریابی
- ❖ بازاریار: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- ❖ ایمیل: dailyletilaatroz@gmail.com
- ❖ آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
- ❖ شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶
- ❖ مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲
- ❖ چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

بگو مگو facebook



نعمت رحیمی

جنگ، از هم گسیختگی و تلفات جانی
همواره هزینه‌های جنگ را با ساختمان‌های تخریب شده، پُل و پُلچیک و یا سربازان از دست رفته سنجیده‌ایم. هیچ‌وقت نشده است که هزینه‌های جنگ را بر اساس میزان رنج تک تک انسان‌ها اندازه گرفته باشیم. شکست روانی و هر دم شهیدی مردم افغانستان یکی از بزرگ‌ترین هزینه‌های است که ما پرداخته‌ایم و می‌پردازیم.

رانکوه‌الندی «یوست میرلو» می‌گوید، جنگ تخلیه‌ی گسترده خشم انباشته شده در درون آدم‌ها است که از آن به‌عنوان ابزار ناکامی خود در اداره‌ی خویشتن استفاده می‌کنند. نارضایتی تبدیل به تعصب و کینه در برابر نژادها، ادیان، ملل و یا ایدئولوژی دیگر شده و جنگ در می‌گیرد. دو نظریه مهم در مورد جنگ وجود دارند که شاید هیچ کدام از آن‌ها با وضعیت کشورما، علل یا منشاء درگیری‌ها منطبق نباشند.

۱) نظریه‌ی مالتوسی
۲) نظریه‌ی تورم جوانی جمعی
مالتوسی: این نظریه جمعیت رو به گسترش و منابع کمیاب را به‌عنوان یکی از دلایل جنگ و خشونت معرفی می‌کند. تورم جوانی جمعیت: زیاد شدن جمعیت مردان جوان و نبود شغل‌های منظم و تقسیم ناعادلانه‌ی کار را دلیل بروز خشونت می‌داند.

جنگ ما الان شبیه یک کلاف سر در گم است که کسی تکلیف خودش را نمی‌داند. در دوره‌ی جدید و در آغاز جنگ تعریف گروه‌های تروریستی و جنگ تا اندازه‌ی روشن بود اما هرچه به پیش رفتیم با متورم شدن رگ فاشیسم، آرام آرام و ماهرانه ماهیت تروریسم نیز مبهم و گنگ شد.

صحبت از گفت‌وگو و میز مذاکره است در حالی که گروه‌های مافیایی و تروریستی، گفت‌وگو در قاموس شان نیست و ممکن است در همان جلسه‌ی گفت‌وگو به سوی طرف مقابل شلیک کنند.

در سنگر ما استراتژی و تعریف واحد از دشمن وجود ندارد، گروهی که ممکن است به نظر عده‌ی تروریست و مهدورالدم باشند، نزد دیگری آن تعریف را نداشته باشند. کسی که می‌خواهد برابر گروهی بجنگد که هم سنگرش سعی بر توجیه اعمال آنان داشته و در صدد بستر سازی مشروعیت و سهم شدن شان در قدرت است.

به همین سبب افغانستان در حال پرورش و تنومندسازی بی‌اعتمادی بزرگ ملی و خطرناک است. خطری که آینده‌ی همه را شبیه همین کودک و مادر قندوزی خواهد کرد.



Malek Sitez

مرگ ارزش‌ها، مرگ انسانیت است
وقتی به ملاله یوسف‌زی توسط طالبان حمله شد، جهان تکان خورد. وزارت خارجه پاکستان حمله به‌جان یک دانش‌آموز را حمله به آموزش و پرورش تعبیر کرد و در سطح بین‌الملل برای این دوشیزه‌ی جوان دادخواهی کرد. شورای امنیت او را در نشست ویژه‌ی فراخواند. ملاله در مجمع عمومی سازمان ملل سخن‌رانی کرد، بریتانیا مسئولیت حمایت خانواده‌اش را در مانچستر به‌دوش گرفت و جهان به‌وی جایزه نوبل را اهدا کرد.

اما در کشور ما بر دانشگاهی حمله شد. جوانان با صفایی به شهادت رسیدند. رئیس جمهور این عمل را با «شدیدترین الفاظ» تبیح کرد و سپس آب از آب تکان نخورد.

جمشید و خپلواک می‌بایست به ملاله‌های افغانستان مبدل گردند. دیپلوماسی ما کجاست؟ آیا این‌ها قربانی آموزش و پرورش نبودند که توسط هراس‌انگنان به شهادت رسیدند؟ عضویت افغانستان در سازمان یونسف، یونسکو، شورای حقوق بشر، شورای اجتماعی و اقتصادی به‌چه معنا است؟ آیا ماموریت‌های بین‌المللی افغانستان معنای لابی‌گری را می‌دانند؟ خون‌بهای این شهیدان آموزش و تدریس به‌دوش کیست؟ آیا دیپلوماسی ما می‌داند که خانواده‌های این شهیدان بر بنیاد قوانین بین‌الملل مستحق جبران خساره‌ی ناشی از جنگ علیه تروریسم هستند؟

ما به دولت شهروند محور نیاز داریم. خپلواک ما یکی از بهترین پروفیسوران، جمشید ما یکی از پیش‌تاز ترین دانش‌آموزان و اندرانی ما یکی از بهترین رزمندگان کشور بود. شهادت آن‌ها، مرگ هدف‌مند و با افتخار است. من با برخی از خانواده‌های این شهدا دیدار کردم. این غم‌جان‌کام کمرهای آن‌ها را خم کرده است. بیابید شانه به شانه‌ی آن‌ها برای ضایعه‌ی ارزش‌ها دادخواهی کنیم و نگذاریم این مرگ را احماقانه جلوه دهند و قاتلین آن‌ها را برادروار بر دست‌رخوان معامله دعوت کنند. مرگ ارزش‌ها مرگ انسانیت است.

هدف مظنون بازداشت شده در آلمان: طراحی حمله‌ی شبیه به حملات پاریس و بروکسل

پیش از آن، روز شنبه در هجوم نیروهای پولیس به آپارتمان او در شهر کمینتس چند صد گرم ماده پروکسید استون از مواد منفجره بسیار خطرناک کشف شده بود.
یورک میکائیلیس، مسئول دفتر امورجنایی در ایالت زاکسن در کنفرانس مطبوعاتی روز دوشنبه در اینباره گفته است: «بر اساس اطلاعات ما «البکر» در اینترنت در مورد چگونگی ساخت یک دستگاه انفجاری (احتمالا جلیقه انتحاری) تحقیق می‌کرد و مواد لازم را هم فراهم کرده بود. ما باید فرض را بر این می‌گذاشتیم که او در

پیش از آن، روز شنبه در هجوم نیروهای پولیس به آپارتمان او در شهر کمینتس چند صد گرم ماده پروکسید استون از مواد منفجره بسیار خطرناک کشف شده بود.
یورک میکائیلیس، مسئول دفتر امورجنایی در ایالت زاکسن در کنفرانس مطبوعاتی روز دوشنبه در اینباره گفته است: «بر اساس اطلاعات ما «البکر» در اینترنت در مورد چگونگی ساخت یک دستگاه انفجاری (احتمالا جلیقه انتحاری) تحقیق می‌کرد و مواد لازم را هم فراهم کرده بود. ما باید فرض را بر این می‌گذاشتیم که او در

اطلاعات روز: وزیر داخله آلمان روز دوشنبه ۱۹ میزان، در بیانیه‌ی در مورد بازداشت پناهجوی سوری اعلام کرد که جابر البکر، جوان ۲۲ ساله سوری قصد انجام حمله‌ی تروریستی در مقیاس حملات ماه مارچ در بروکسل و حمله سال گذشته در پاریس را داشته است.
به نقل از یورو نیوز، پولیس عملیاتی ویژه آلمان که از سه روز پیش در جستجوی آقای البکر بود، یک‌شنبه شب از دستگیری این فرد مظنون در شهر لایپزیگ با کمک یک شهروند سوری دیگر خبر داد.

نوبل علوم اقتصادی به دو پژوهشگر بریتانیایی و فنلاندی رسید

نخستین جایزه نوبل علوم اقتصادی در سال ۱۹۶۹ اهدا شد.
جایزه نوبل علوم اقتصادی امسال همزمان با اهدای جوایز دیگر نوبل در روز ۱۰ دسامبر سال جاری اهدا خواهد شد. سال گذشته جایزه نوبل علوم اقتصادی به انگس دیتون، استاد اسکاتلندی دانشگاه پرینستون اهدا شد. مطالعات او به دولت‌ها نشان داد که گروه‌های مختلف اجتماعی، چگونه به تغییرات مالیاتی واکنش نشان می‌دهند.

گذاشت و آن‌ها را حفظ خواهد کرد.
به‌گفته آکادمی، مطالعات آن‌ها در درک ساختار قراردادی، به مدیران ارشد کمک می‌رساند.
یور هارت بریتانیایی در دانشگاه هاروارد و بنگت هولمستروم فنلاندی در مؤسسه تکنولوژی ماسوچست تدریس می‌کنند.
جایزه نوبل علوم اقتصادی معادل ۸۳۰ هزار یورو است که توسط سوربجز ریکس بانک سوئدن (بانک مرکزی سوئدن) اهدا می‌شود.

اطلاعات روز: جایزه نوبل اقتصادی ۲۰۱۶ روز دوشنبه ۱۹ میزان به‌طور مشترک به الیور هارت و بنگت هولمستروم، دو پژوهشگر اقتصادی از بریتانیا و فنلاند رسید.

به نقل از رادیو زمانه، آکادمی سلطنتی علوم سوئدن در اعلام دلیل خود برای انتخاب این دو اقتصاددان گفت آن‌ها در تحقیقات خود سهم مهمی در ارائه «نظریه قرارداد» ادا کرده‌اند که این نظریه نه تنها بر اقتصاد بلکه بر جامعه نیز تأثیر مثبتی خواهد

سامسونگ تولید گالاکسی نوت ۷ را «متوقف می‌کند»

گوشی گالاکسی نوت ۷ در ۱۹ آگوست به بازار آمد. عمده منتقدان و مشتریان این محصول را تحسین کردند.

این گوشی تازه‌ترین محصول سامسونگ از رشته محصولات این شرکت است که «فیلت» خوانده می‌شود. ترکیبی از کلمات فون (تلفن) و تبلت به دلیل صفحه بزرگی که دارد.

در این گوشی یک ردیاب چشمی یا اسکنر قرینه چشم نصب شده که قفل تلفن را با تشخیص دادن چشم صاحب گوشی باز می‌کند.

اما باتری برخی از این گوشی‌ها که در کشورهای مختلف ساخته می‌شود، مشکلاتی به وجود آورده که باعث شده بسیاری علاقه‌ی بی برای خرید آن نشان ندهند.

گالاکسی نوت ۷ گفت می‌تواند تلفن‌های خود را برای رفع اشکال فنی که باعث احتمال آتش‌سوزی می‌شود، برگرداندند.

این شرکت گفت که مشکل را شناسایی و حل کرده است. اما پس از آن دست‌کم دو مورد گزارش شده که تلفن‌های تعمیر شده، آتش گرفته‌اند.

هفته گذشته یک گوشی گالاکسی نوت ۷ که توسط این شرکت ایمن معرفی شده بود، در یک هوایمای خطوط ساوت وست آمریکا آتش گرفت. سامسونگ گفته است که در خصوص موارد جدید تحقیق می‌کند.

هفته‌ی گذشته یک گوشی گالاکسی نوت ۷ که توسط این شرکت ایمن معرفی شده بود، در یک هوایمای خطوط ساوت وست آمریکا آتش گرفت.

اطلاعات روز: شرکت‌های سرویس‌دهنده تلفن در آمریکا ارائه گوشی‌های گالاکسی نوت ۷ را به دلیل مشکل باتری آن‌ها متوقف کرده‌اند.

به نقل از بی‌بی‌سی، همچنین رسانه‌های کره جنوبی گفته‌اند که سامسونگ تولید این محصول خود را متوقف کرده است. اما مسئولان این شرکت در گفت‌گویی با بی‌بی‌سی این خبر را تایید نکرده‌اند.

دو شرکت SSS و تی-موبایل در آمریکا گفته‌اند که فعلاً به مشتریان خود گوشی‌های گالاکسی نوت ۷ عرضه و آن‌ها را تعویض نمی‌کنند.

در پی این گزارش‌ها ارزش سهام سامسونگ در بازارهای آسیا حدود ۴ درصد سقوط کرده است. شرکت سامسونگ در ماه سپتامبر به دارندگان تلفن

رسواگری و حملات شدید لفظی در دومین مناظره کلیتون و ترامپ

پیش گفته‌ام. به نظر این شرم‌آور است و اگر راستش را بخواهد، فکر می‌کنم باید از خودش خجالت بکشد.»

نامزد جمهوری‌خواه برای نخستین بار اعتراف کرد که برای سال‌ها مالیات پر درآمد خود را به دولت فدرال پرداخت نکرده اما در عین حال رقیب خود را «شیطان» و «دروغگو» خطاب کرد.

کلیتون گفت: «خیلی خوب است که کسی با خلق و خوی دونالد ترامپ مسئولیت قانونی در کشور ما ندارد.»

ترامپ پاسخ داد: «بله، وگرنه شما در زندان بودید.» ترامپ در طول مناظره با حرکات بدن و با واژه‌هایی گاه توهین‌آمیز، مخالفت خود با کلیتون را نشان می‌داد. دو نامزد تنها بعد از بخش پرسش و پاسخ حاضران، با یکدیگر دست دادند.

در جریان کارزار انتخاباتی هم فهمیده شده است. دیدیم که به زنان توهین می‌کند. دیدیم که زنان را از روی ظاهرشان و از رتبه یک تا ده دسته بندی می‌کند (D) بله دونالد ترامپ این است.»

اما دونالد ترامپ هم به سبک نامزد جمهوری‌خواه بود و گفت: «آن حرف از جنس حرف‌های داخل رختکن بود. من از آن خشنود نیستم. من کسی هستم که برای افراد، خانواده و مردم این کشور احترام زیادی قائلم و البته از آن موضوع خشنود نیستم. به هر حال چیزی است که اتفاق افتاده است. اما بیل کلیتون را ببینید، بدتر است. من فقط حرفش را زدم، اما او عمل کرده. آنچه او با

زنان کرده در تاریخ سیاسی این ملت سابقه نداشته. او از زنان سوء استفاده کرده و حالا هیلازی یک قصه‌ی درآورده که من فلان حرف را یازده سال

اطلاعات روز: در دومین مناظره تلویزیونی هیلازی کلیتون و دونالد ترامپ نامزدان حزب دموکرات و جمهوری‌خواه در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا تنش به اوج خود رسید. دو نامزد انتخابات آتی آمریکا در آغاز مناظره با هم دست ندادند. موضوع داغ صحبت آن‌ها نیز ویدئوی معروفی بود که ترامپ مغرورانه و گستاخانه در آن گفته بود با قدرت و شهرت خود می‌تواند زنان‌ها را تصاحب کند.

به نقل از یورو نیوز، هیلازی کلیتون در این زمینه گفت: «همه ما روز جمعه دیدیم و شنیدیم که دونالد در مورد زنان‌ها چه می‌گوید، چگونه می‌اندیشد و با آن‌ها چه می‌کند. می‌گوید این ویدئو معرف شخصیت او نیست. اما به نظر من برای هر کسی که آن حرف‌ها را شنیده، شخصیت او کاملاً رو شده است. این چیزی است که تاکنون

پوتین: کاهش تولید نفت تنها تصمیم درست برای حفظ ثبات بخشی از انرژی در جهان است

همزمان نمایشگاهی نیز برپا شده تا شرکت‌های انرژی ظرفیت‌های خود را در آن به نمایش بگذارند.

بازار نفت در انتظار خبر از استانبول بازار بین‌المللی نفت دیروز در حالی آغاز به کار کرد که چشم این بازار به گفت‌وگوهای نشست استانبول دوخته شده است.

قیمت هر بشکه نفت خام آمریکا دیروز، دوشنبه با شش سنت افزایش به ۴۹ دلار و ۸۷ سنت رسید. دو هفته پیش (۲۸ سپتامبر) اعضای کشورهای صادرکننده نفت، اوپک، در نشست انرژی الجزایر برای کاهش تولید نفت به حدود ۳۳ میلیون بشکه در روز به توافق رسیدند که این اولین کاهش تولید پس از بحران جهانی در سال ۲۰۰۸ میلادی بوده است.

تنها تصمیم درست برای حفظ ثبات بخش انرژی در جهان است.»

یک هیأت هشت نفره ایرانی به سرپرستی آرش کردی، مدیر عامل شرکت توانیر هم در این اجلاس حضور یافته است.

وزیران انرژی کشورهای امارت متحده عربی، الجزایر، ونزوئلا و قطر در این اجلاس حضور دارند، اما یک منبع که نامش ذکر نشده به خبرگزاری رویترز گفته که وزرای نفت ایران و عراق در نشست استانبول حضور نخواهند داشت.

کنگره جهانی انرژی (WEC) هر سه سال یک‌بار برگزار می‌شود و این دوره اولین کنگره جهانی انرژی پس از سال ۱۹۷۷ میلادی است که در ترکیه برگزار می‌شود.

در این کنگره نمایندگان ۸۲ کشور حضور دارند و

اطلاعات روز: بیست و سومین کنگره جهانی انرژی در حالی در شهر استانبول ترکیه آغاز به کار کرده که رسیدن به جزئیات کاملی برای کاهش تولید نفت بر این اجلاس سایه انداخته است.

به نقل از بی‌بی‌سی، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه در این نشست گفته که کشورش آماده پیوستن به اقدام برای محدود کردن تولید نفت است.

آقای پوتین گفته است «قیمت پایین نفت باعث کاهش سرمایه‌گذاری جهانی در بخش انرژی شده که این روند به‌نوبه خود در مقطعی به کسری بودجه و همچنین جهش غیرمنتظره قیمت‌ها منجر می‌شود.»

رئیس‌جمهور روسیه همچنین گفته «به‌همین دلیل، کاهش تولید نفت و تعیین سقف تولید احتمالاً

آنچلوتی: ادامه مسیر گواردیولا کار ساده‌ی است

کارلو آنچلوتی، سرمربی بایرن مونیخ، معتقد است که ادامه دادن به مسیر پپ گواردیولا کار ساده‌ی است. پپ در آلیانز آرنا، سه قهرمانی بوندس لیگا در طی سه فصل را به دست آورد و حال هدایت این تیم به آنچلوتی سپرده شده است. سرمربی ایتالیایی شروع خوبی در آلمان داشته و حال مدعی شد که ادامه دادن مسیر گواردیولا کار ساده‌ی است. او گفت: کار من تا به این‌جا ساده بوده زیرا دانش تیم بسیار بالاست و کیفیت بالایی نیز دارد. فکر می‌کنم کلید این کیفیت بالا گواردیولا است. به نظر تیم در شرایط خیلی خیلی خوبی قرار داشت و دانش زیادی نیز نسبت به فوتبال داشت. شرایط رختکن عالی بود و من هم قصد تغییر آن را نداشتم. هر مربی، ایده‌های فوتبالی خودش را دارد و من هم سعی کردم بدون ایجاد تغییرات بزرگ، تفکراتم را به تیم منتقل کنم. گاهی وقتی ایده‌های جدید به تیم تزریق می‌شود، تمرکز تیم بالا می‌رود.



آنچلوتی: به قول رونالدو، من یک خرس بزرگم!

کارلو آنچلوتی درباره خون‌سردی بیش از حد خود در کنار زمین گفت: این شخصیت و کاراکتر من است. فکر می‌کنم دیگر تغییری در شخصیت من ایجاد نشود و مدت‌ها است که همین شخصیت را دارم. من انسان آرام و ساکتی هستم. شاید به این خاطر بوده است که افرادی که با آن‌ها زندگی می‌کنم، همین‌گونه هستند و در کل آدم عصبی در کنار من نیست. اولین معلم من آرام بود. اولین مربی من آرام بود و من تحت تاثیر آن‌ها قرار گرفتم. نمی‌دانم آرام و ساکت بودن خصوصیات خوبی برای مربی‌گری است یا نه؛ ولی می‌خواهم با بازیکنانم صادق باشم. با باشگاه نیز همین‌طور همه خصوصیات من را می‌دانند. وقتی عصبانی می‌شوم ترجیح می‌دهم که با بازیکنان صحبت نکنم و مثلاً یک روز بعد با بازیکنان صحبت کنم. وقتی کمی آرام‌تر شوم این کار را انجام می‌دهم. یکی از حرکات غریزی آنچلوتی بالا بردن ابرویش است. او درباره این موضوع گفت: بله، درست است. نمی‌توانم این حرکت را کنترل کنم (با خنده). دلیل خاصی برای این کار وجود ندارد و کاملاً اتفاقی و غریزی است.

سرمربی بایرن مونیخ می‌گوید آرام بودن او خصوصیتی ذاتی است و تغییر نخواهد کرد. کارلو آنچلوتی، سرمربی ایتالیایی بایرن مونیخ جانشین پپ گواردیولا در این تیم شد تا بتواند بایرن را بعد از چهار سال، بار دیگر به قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا برساند. او شروع چندان خوبی در بایرن مونیخ نداشت. شکست هفته قبل برابر اتلتیکومادرید در لیگ قهرمانان اروپا و قبل از آن، تساوی خانگی برابر کلن نشان داد که بایرن مونیخ این فصل جای زیادی برای پیشرفت دارد. با این حال حضور آنچلوتی که تجربه سه قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا را در کارنامه خود دارد، خیال هواداران بایرن مونیخ را برای موفقیت راحت کرده است. یکی از خصوصیات که این مربی ایتالیایی دارد، خون‌سردی او در لحظات حساس مسابقه است. همه خون‌سردی آنچلوتی را در بازی حساس رئال مادرید و اتلتیکومادرید (که به دهمین قهرمانی رئال مادرید در اروپا ختم شد)، به یاد دارند که او هیچ واکنشی از خود نشان نمی‌داد و باعث شد کریستیانو رونالدو به این مربی لقب «خرس بزرگ» بدهد.

توستائو: نیمار از روماریو و رونالدو بهتر است

توستائو، اسطوره فوتبال برزیل، معتقد است که نیمار از روماریو، رونالدو و نازاریو بازیکن بهتری است و می‌تواند به یکی از بهترین‌های تاریخ برزیل تبدیل شود. پله در صدر جدول گول‌زنان تاریخ تیم ملی برزیل قرار دارد و نیمار نیز در این جدول پایین‌تر از روماریو و رونالدو قرار گرفته؛ ولی حال، توستائو مدعی شد که نیمار به یکی از بهترین‌ها تبدیل خواهد شد. او گفت: نمی‌دانم نیمار بهترین بازیکن جهان خواهد شد یا نه؛ ولی شکی نیست که او بازیکن فوق‌العاده‌ی است. او تمام توانایی‌هایی که یک مهاجم نیاز دارد را داراست. خیلی خوب شوت می‌زند، باهوش است، خوب پاس می‌دهد، خطا می‌گیرد و خیلی سریع است. شاید هنوز به جایگاه بزرگی نرسیده باشد؛ ولی می‌تواند به بازیکن بزرگی مثل پله تبدیل شود. او از رونالدو و روماریو بهتر و کامل‌تر است. همه چیز دارد. روماریو و رونالدو در یک توانایی‌های مشخص و محدودی خیلی خوب بودند. در حال حاضر او بهترین بازیکن جهان نیست؛ زیرا رونالدو و مسی بالاتر از او هستند؛ ولی از دیگران بهتر است، حتی از کاکا، ریوالدو و لوییسی فیگو در زمان خودشان.

پیرلو: فوتبال در آمریکا تفریح خانوادگی است

آندره پیرلو، ستاره ایتالیایی نیویورک سیتی، فضای تماشاگران فوتبال ایالت متحده را اصلی‌ترین دلیل علاقه به لیگ MLS عنوان کرد. پیرلو در تابستان سال ۲۰۱۵ به فوتبال آمریکا مهاجرت کرد و در مدت اخیر با پیشنهادهایی برای بازگشت به فوتبال اروپا مواجه شده است که همه آن‌ها را رد کرده است. پیرلو گفت: گرچه حضور در ایالات متحده باعث شد تا من فضای جدیدی را تجربه کنم، اما باید اعتراف کنم که کاملاً با علاقه در این‌جا مشغول به فعالیت هستم. حضور در این‌جا نشان‌دهنده یک تجربه جدید و متفاوت است که کاملاً مرا به خودش مجذوب کرده است. علاوه بر این، من این فرصت را دارم تا یک زبان جدید نیز یاد بگیرم. فوتبال در آمریکا در حال پیشرفت و شکوفایی است و من بسیار خوشحال هستم که جزئی از این مجموعه به حساب می‌آیم. از سبک ارائه فوتبال در این‌جا لذت می‌برم. مردم این‌جا به عنوان یک تفریح به همراه خانواده به استادیوم می‌آیند و کسب ۳ امتیاز برای آن‌ها در اولویت بعدی قرار دارد. این‌جا آن چیزی که در درجه اول برای مردم اهمیت قرار دارد، کنار هم بودن و گذراندن زمان در کنار یک‌دیگر در فضای فوتبال است.



منچستر یونایتد و به خدمت گرفتن پسر وین رونی

درد که می‌تواند پا جای پای پدرش بگذارد. جیسی، پسر مایکل کریک هم در این آکادمی حضور دارد. یک منبع از آکادمی منچستر به سان گفت: وین و مایکل واقعا خوشحال شدند که پسران‌شان به آکادمی فوتبال منچستر پیوسته‌اند. بچه‌ها هم این موضوع را دوست داشتند و چند هفته است که به طور مرتب در تمرینات شرکت می‌کنند. کمی خنده‌دار است؛ چون پدران هر دوی آن‌ها دیگر زیاد بازی نمی‌کنند و حالا آن‌ها می‌توانند جایگزین پدران‌شان شوند.

کای رونی به آکادمی فوتبال منچستر یونایتد ملحق شد و مرتب در تمرینات شرکت می‌کند. وین رونی در رقابت‌های این فصل شروع بدی داشته؛ هم از ترکیب اصلی یونایتد کنار گذاشته شده و هم در تیم ملی هو شده است. اما یک خبر خوب برای این بازیکن و خانواده‌اش وجود دارد که اوضاع را برایش کمی عوض می‌کند. آکادمی فوتبال منچستر یونایتد با کای، پسر ۶ ساله وین رونی قرارداد بسته است. کای در تمرینات آکادمی هم شرکت کرده و به گفته مربیان سطحی

بهترین تصمیم زندگی‌ام، جدایی از رئال بود

رئال گفت: برای رئال احترام زیادی قائل هستم ولی باید بگویم که جدایی از این باشگاه بهترین تصمیم زندگی ورزشی من بود. به سال‌های حضورم در بنفیکا نگاه کنید که چه قدر فوق‌العاده گذشت. در رئال با حضور راموس، پله، آلبیول و کاروالیو به من بازی نمی‌رسید. هر فوتبالیستی دوست دارد بازی کند و من به همین دلیل از رئال جدا شدم.

اسکیل گارای که بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ در عضویت رئال بود، پس از این‌که مورد توجه مورییو قرار نگرفت این باشگاه را به مقصد بنفیکا ترک کرد. او فصل ۲۰۰۸-۲۰۰۹ نیز به صورت قرضی برای راسینگ سانتاندر به میدان رفته بود. گارای در بنفیکا به اوج رسید و سپس راهی زینت شد. او امسال با جدایی از باشگاه روسی با والنسیا قرارداد امضا کرد. گارای در مصاحبه با دسمارک در مورد جدایی از

ستاره دور تموند:

روزی به بارسا خواهم پیوست

داده بود، برایش جذاب‌تر بود و او تصمیم گرفت که در نهایت راهی آلمان شود. با این حال او به رابرت فرناندس، مدیر ورزشی باشگاه، گفته که فعلاً قصد دارد رشد و پیشرفت کند؛ ولی در نهایت راهی بارسا خواهد شد. در حال حاضر قرارداد او با دورتموند تا سال ۲۰۲۱ اعتبار دارد و مسلماً زرد و مشکی‌پوشان به راحتی او را از دست نخواهند داد و اگر بارسا می‌خواهد او را به خدمت بگیرد، باید هزینه زیادی صرف کند.

عثمان دمبله، ستاره این روزهای دورتموند مدعی شده که روزی برای بارسا بازی خواهد کرد و بدین ترتیب احتمال پیوستنش به این تیم در تابستان پیش رو را قوت بخشید. این مهاجم ۱۹ ساله، اخیراً از لیگ فرانسه راهی سینگنال آیدونا پارک شده و با نمایش‌های بسیار خویش همه را شگفت‌زده کرده است. دمبله از بارسلونا پیشنهاداتی در اختیار داشت؛ ولی پیشنهاد دورتموند و پروژه‌ی که این باشگاه در مقابل او قرار

لوپتگی: بیکه از تیم ملی خداحافظی نخواهد کرد

خولن لوپتگی، سرمربی تیم ملی اسپانیا، معتقد است که جرارد پیکه از تیم ملی اسپانیا خداحافظی نخواهد کرد. روز یکشنبه جرارد پیکه به خاطر کندن خطوط پرچم اسپانیا که روی آستین لباس‌های این تیم حک شده بود، مورد انتقادات بسیاری قرار گرفت. او پس از بازی اعلام کرد که فشارها بر روی او بسیار زیاد شده و پس از جام جهانی قصد بازنشستگی از فوتبال ملی را دارد. با این حال لوپتگی معتقد است که این اتفاق رخ نخواهد داد. او گفت: پیکه مستحق چنین انتقاداتی نیست. به نظر موضوع جدی نباشد. او را درک می‌کنم. به نظر عملکرد خیلی خوبی داشته و یکی از بهترین‌های ما بود؛ مثل بازی با ایتالیا. او مثل راموس خیلی خوب ظاهر شد. چیز زیادی در این رابطه برای گفتن ندارم. باید آرامش خود را حفظ کنیم. شکی در تعلق خاطر پیکه به تیم ملی اسپانیا نیست. نباید زود نتیجه‌گیری کنیم.

لوگز مبورگو: پپ در بازاریابی موفق‌تر از مربی‌گری است

واندرلی لوکز مبورگو، سرمربی سابق برزیل، معتقد است که پپ گواردیولا در خرید و فروش بازیکنان و بازاریابی بهتر عمل می‌کند تا مربی‌گری. گواردیولا این فصل هدایت سیتی را بر عهده گرفته و در حال حاضر تیم او صدرنشین جدول است. بسیاری معتقدند که موفقیت پپ به خاطر بازیکنان درجه یکی است که همیشه در اختیار داشته و لوکز مبورگو نیز این موضوع را تایید کرد. او گفت: پپ گواردیولا در بازاریابی بهتر است تا مربی‌گری. او جام‌های زیادی در بارسا برد؛ ولی لوییسی انریکه نیز آن جام‌ها را تکرار کرد. گواردیولا به بایرن رفت، خودش را آماده کرد، زبان آلمانی یاد گرفت؛ ولی نتوانست دستاورد هاینکس که در ۷۰ سالگی سه‌گانه برده بود را تکرار کند. آنچلوتی با میلان و رئال قهرمان چمپیونزلیگ شده و برای این‌که گواردیولا ثابت کند مربی بهتری است، باید با سیتی قهرمان اروپا شود.

مدت دوری راموس از میادین مشخص شد

سرجیو راموس، مدافع رئال مادرید به علت مصدومیت برای یک ماه از میادین به دور خواهد بود. مدافع تیم ملی اسپانیا در تقابل با آلبانی که در آن دیدار اسپانیا ۲-۰ پیروز شد، دچار مصدومیت شد و جایش را به اینگیو مارتینز داد. با وجود این‌که او بدون کمک پزشکان زمین را ترک کرد ولی لوپتگی پس از بازی مصدومیت او را تایید کرد. سرمربی اسپانیا گفت: به نظر مصدومیت راموس پیچ خوردگی باشد. امیدوارم موضوع جدی نباشد. با تایید مصدومیت، راموس به جمع مارسلو، مودریچ و کاسمیرو اضافه شد که مصدوم هستند و نمی‌توانند برای رئال به میدان بروند. مصدومیت‌های متعدد باعث شده تا رئال نسبت به اوایل فصل دچار افت شود. آن‌ها در ۴ بازی اخیرشان با تساوی زمین را ترک کرده‌اند و شرایط خوبی را تجربه نمی‌کنند و حال دوری یک ماهه کاپیتان شرایط را بدتر از پیش می‌کند.

هر چه از مسی و رونالدو بگویم، بدبرداشت می‌شود

زمانی آنتل دی ماریا در رئال با رونالدو و در تیم ملی ارجنتاین با مسی هم‌تیمی بود و حالا آندره گومس همچون دی ماریا افتخار هم‌تیمی بودن با رونالدو و مسی نصیبش شده است. گومس تابستان امسال در حالیکه از رئال نیز پیشنهاد داشت، ترجیح داد به بارسلونا برود. او در تیم ملی پرتگال با رونالدو هم‌تیمی است و حالا در بارسلونا کنار مسی بازی می‌کند. گومس در مصاحبه با اسپورت در مورد هم‌تیمی بودن با این دو فوق‌ستاره و مقایسه آن‌ها باهم گفت: واقعیت این است که هر چه از رونالدو و مسی و مقایسه آن‌ها باهم بگویم، ممکن است بد برداشت شده و سوءتفاهم شود. از بازی کنار رونالدو در تیم ملی پرتگال لذت می‌برم و در بارسا نیز که تمام وقت با مسی و بازیکنانی چون اینیستا و... هستم، روزهای خوشی را سپری می‌کنم. توپ طلا؟ این از آن مواردی است که ترجیح می‌دهم هیچ اظهارنظری در موردش نداشته باشم.

نامحدوده
وریا دقیقی
لیکلی پیغامونه
او انترنت



خپل ام ټي ان سیمکارت مو بیا وکاروئ او د ام ټي ان شمېرو ته نامحدوده اړیکې لیکلي پیغامونه او انترنت ترلاسه کړئ

که له تېرو ۴۵ ورځو راهیسې مو خپل ام ټي ان سیمکارت نه وي کارولی، ۵۰ افغانۍ یا ډېر کرډېټ اضافه کړئ او د ام ټي ان شمېرو ته نامحدوده اړیکې، لیکلي پیغامونه او انترنت ترلاسه کړئ. همدا راز تاسو کولای شئ چې د ام ټي ان په ورځنۍ خانګرې بکسه کې ګډون وکړئ او هره ورځ له ام ټي ان څخه د ام ټي ان ۱۰ افغانیو په بدل کې ۱۰۰ وریا دقیقی، ۱۰۰ لیکلي پیغامونه او ۱۰۰ ام بی انترنت ترلاسه کړئ.

د وړاندیز نوم	په	ام ټي ان نه دقیقی	ام ټي ان نه لیکلي پیغامونه	انترنت	د وریا بکسه اعتبار موده	غیر فعالول	فعالول	نوموت بیا نوی کول
د ډېره راغلاست بکسه	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰ لیکلي پیغامونه	۱ جی بی	هماعه ورځ ۵۰ افغانۍ یا ۱۵۰ افغانۍ	نه	نه	نه
ورځنۍ بکسه	۱۰	۱۰۰	۱۰۰ لیکلي پیغامونه	۱۰۰ ام بی	هماعه ورځ	۳۲۱۰۲۵	۳۲۱۰۱۵	هو

* په خانګرې ورځنۍ بکسه کې د ګډون لپاره #۱*۳۲۱* ډایل کړئ.



د لا زیاتو معلوماتو لپاره له ۷۷۹ شمېرې سره اړیکه ونیسئ
* سیمکارت ته ننوتل لږین دي

www.mtn.com.af MTN Afghanistan @MTNAF
LinkedIn MTN-Afghanistan MTNAF

په هرځای کې له تاسو سره

د آریانا افغان هوایی شرکت ARIANA AFGHAN AIRLINES

Facebook.com/flyariana
ariana.afghan.ariana
twitter.com/flyARIANAafghan
youtube.com/user/flyariana

+93(0)777071333
+93(0)700071333
+93(0)790071333
+93(0)786071333
www.flyariana.com
info@flyariana.com



د آریانا افغان هوایی شرکت جهت عرضه خدمات بهتر هوایی و ایجاد سهولت به هموطنان عزیز تخفیف های ویژه را در قیمت تکت ها قرار ذیل ارائه نموده است:

- 30% تخفیف برای دیپلمات های محترم
- 20% تخفیف برای کارمندان محترم دولت
- 25% تخفیف برای محصلین گرامی
- 20% تخفیف برای ورزش کاران پر افتخار کمیته ملی المپیک
- 20% تخفیف برای افراد دارای معلولیت



گذشته گفت که تنها امروز (دوشنبه، ۱۹ میزان) ۲۹ عملیات در ۱۹ ولایت راهاندازی شده است که با این عملیاتها دامنه‌ی حملات طالبان کوتاه شده است.

شد و جامعه‌ی جهانی تعهد سپردند که سالانه ۳٫۸ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۰ به افغانستان کمک کنند. هم‌زمان با نشست بروکسل حملات طالبان در شماری از ولایات افزایش یافت. به باور سخنگوی رییس جمهور، طالبان با حمایت حامیان خارجی شان می‌خواستند با سرخط قرار دادن جنگ، نشست بروکسل را تحت شعاع قرار دهند. در حال حاضر جنگ در ۱۵ ولایت کشور جریان دارد. در روزهای اخیر ولایت‌های هلمند، قندوز، ارزگان، فراه و بغلان شاهد شدیدترین درگیری‌ها بوده است. طالبان ساحات مهم شهر قندوز را سقوط دادند. تا نزدیکی‌های مرکز شهرهای فراه، ترینکوت و لشکرگاه پیشروی کردند. گزارش‌های اخیر از این ولایت‌ها از عمل‌کرد بهتر نیروهای امنیتی افغانستان حکایت دارد و طالبان از اطراف این شهرها اندکی به عقب زده شده‌اند. صدیق، صدیقی، سخنگوی وزارت داخله و محمد رادمنش، معاون سخنگوی وزارت دفاع در این نشست از پیشروی نیروهای امنیتی در این ولایات خبر دادند. محمد رادمنش روز

چخانسوری: دشمن با موج حملات اخیر می‌خواست نشست بروکسل را تحت شعاع قرار دهد

این جاست که طالبان چگونه توانستند حملات اخیر را راه‌اندازی کنند. به باور سخنگوی رییس جمهور، مدیریت جنگ‌های اخیر در دست طالبان نبودند بلکه حامیان بیرونی این گروه با فرستادن مشاوران متخصص نظامی عملاً مدیریت جنگ را در دست داشتند. او افزود تجهیزات جنگی طالبان نیز از سوی حامیان خارجی آنها تمویل می‌شوند. آقای چخانسوری از کشور مشخصی نام نبرد اما گفت: «مدیریت جنگ را به نیابت از طالبان حامیان خارجی شان به عهده دارند. خشونت‌های اخیر را نیز آنها (حامیان خارجی طالبان) آغاز کردند که دستاوردهای اخیر حکومت را تحت شعاع قرار دهند و تشویش را در بین مردم زیاد کنند.» نشست بروکسل هفته‌ی گذشته با حضور ۷۰ کشور و ۲۰ نهاد بین‌المللی در بروکسل برگزار

اطلاعات روز: هارون چخانسوری، سخنگوی رییس جمهور می‌گوید که هم‌زمان با برگزاری نشست بروکسل موج حملات مخالفان مسلح در ولایت‌های قندوز، فراه، بغلان، ارزگان، هلمند و برخی ولایت‌های دیگر آغاز شد که هدف «دشمن» از راه‌اندازی این حملات تحت شعاع قرار دادن نشست بروکسل بود. سخنگوی رییس جمهور روز گذشته در نشست مشترک با سخنگویان نهادهای امنیتی در کابل ضمن تشریح دستاوردهای حکومت در ماه‌های اخیر در عرصه‌های مختلف گفت که مخالفان مسلح با حمایت حامیان خارجی شان می‌خواستند این دست‌آوردها و نشست بروکسل را تحت شعاع قرار دهند. آقای چخانسوری افزود در چند ماه گذشته گروه‌های طالبان رهبری واحد نداشتند و از اثر عملیات نیروهای امنیتی افغانستان منابع مالی و نظامی آنها نیز محدود شدند، اما سوال